

روز شمار، اول جون:

=====

1- وفات میرزا ابوالقاسم عالم و شاعر :- سال 1875 میلادی 25 جمادی الاول سال 1292 هجری قمری 18 جوزا 1254 خورشیدی: حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی از علمای بزرگ زجان و شاعر توانای مسلمان در این شهر دار فانی را وداع گفت ، این عالم فاضل در سال 1224 قمری متولد شد و در ایام جوانی به قصد تحصیل به اصفهان سفر کرد ، او در حوضه علمیه اصفهان که از مراکز معتبر علوم دینی آن زمان بشمار میرفت نزد علمایی چون سید رشتی و حاج محمد ابراهیم کرباسی کسب فیض نمود ؛ آیت الله زنجانی در پی اتمام تحصیلات به زادگاهش زجان بازگشت و از آن پس به تدریس اشتغال یافت، این عالم بزرگ ضمن تدریس به تألیف کتابهایی متعدد همت گماشت که از آن جمله اند ردالباب ، حجةالابرار و هدایةالمتقین .

2- اعدام يك زن در امریکا:- اول جون سال 1660 میلادی: به حکم يك دادگاه ایالت ماساچوست امریکا ، خانم «ماری بارت دایر» Mary Barrette Dyer» به جرم نقض مکرر قانون ایالت که کویکر مذهب ها را از ورود به آنجا منع کرده بود به دار آویخته شد، قانون ایالت ماساچوست ورود کویکرها Quaker را به این ایالت ممنوع ساخته بود، با این که شوهر ماری از دوستان فرماندار وقت بود، حکم اعدام دربار او اجرا شد، شوهر ماری کویکر مذهب نبود، ماری که هنگام اعدام شدن 49 ساله بود در انگلستان به دنیا آمده و در همانجا به کویکرها پیوسته و بعدا خود مروج این فکر شده بود.

کویکرها که در آغاز قرن 21 شمار آنان در سراسر جهان از هفتصد هزار تجاوز نمی کند در قرون شانزدهم و هفدهم پا به عرصه گذاشتند زیرا که مردم از اختلافات و جنگهای مذهبی در اروپا و جدال و خصومت فرقه های مسیحی خسته شده بودند و ساده شدن تشریفات مذهبی را خواهان بودند، کویکرها با توجه به این خواست عمومی تبلیغ می کردند که کلیسا نباید روحانی مشخص و موظف (حقوق بگیر) داشته باشد و واسطه میان خدا و پیامبر او و مردم قرار گیرد، موعظه آموزش های مسیح باید توسط هر فرد آگاه و علاقه مند و داوطلبانه انجام شود، کویکرها همچنین بر تحکیم دوستی و برادری انسان ها و هماهنگی آنها در اجرای آموزش های مسیح و معاضدت مردم به یکدیگر در طول زندگانی تاکید داشته اند.

کویکریم که در انگلستان به وجود آمد و جورج فاکس George Fox از مبلغان معروف آن بود به تدریج در جهان مسیحیت گسترش یافت، در امریکا پایگاه اصلی کویکرها ایالت پنسیلوانیا و شهر فیلادلفیا (شهر دوستان) است. بانو «ماری دایر» که همانند دوست و همفکر خود بانو Anne Hutchinson «آن هاجنسون» معتقد به تماس مستقیم روح بشر با خدا و دریافت الهام بود در امریکا به صورت واعظ کویکریم در آمده بود، وی می گفت که مردم باید به خواست خدا با هم در هماهنگی و برادری دائم باشند، این تبلیغ کویکرها که خدا با مردم از طریق روح آنان تماس مستقیم و بی واسطه دارد، از سوی برخی ارتداد تلقی می شد، کویکرهای امریکا مایل نبوده اند که وابسته به یکی از فرقه های مسیحیت خطاب شوند.

ایالت ماساچوست امریکا با منع ورود کویکرها به این ایالت و نیز غیر قانونی کردن تبلیغات مذهبی آنان خواسته بود که از برخوردهای احتمالی برکنار بماند، بانو ماری برغم این قانون، سه بار وارد ماساچوست شده و دست به تبلیغ زده بود که هر بار دستگیر و به ایالت رودآیلند فرستاده شده بود، بار چهارم، دادگاه ایالت او را به اعدام محکوم کرد و تلاش برای کاهش مجازات به جایی نرسید و یکم جون سال 1660 میلادی به دار آویخته شد، ماری در جلسه دادگاه حاضر به توبه کردن نشده بود و در برابر پیشنهاد قاضی گفته بود: به ایمان مردم چکار دارید، داشتن يك عقیده گناه و جرم نیست، تبلیغ يك عقیده و نظریه هم در ردیف بیان و عملی مسالمت آمیز است، قانونی که مرا برپایه آن دستگیر و محاکمه می کنید عادلانه نیست، قانون نباید حق را سلب و باطل کند و اواخر قرن بعد، و در پی پیروزی انقلاب ایالات متحده (امریکا) و تضمین آزادی مذهب در قانون اساسی این فدراسیون و منع دولت از حمایت کردن از يك مذهب در برابر مذاهب دیگر (اصل جداسازی مذهب از سیاست)، مجسمه بانو «ماری دایر» ساخته شد و در برابر ساختمان مقر دولت ایالتی ماساچوست نصب شد

3 - شارل دوگل، بار دیگر رئیس دولت فرانسه شد :- فرانسویان که از ناامنی ها، خودسری ها، گرانی ها، بیکاری ها و ... به جان آمده بودند سر انجام برای نجات خود، يك بار دیگر دست به سوی شارل دوگل دراز کردند و او را از بازنشستگی خارج و یکم جون سال 1958 میلادی، رئیس دولت فرانسه کردند تا به اوضاع سر و سامان دهد و او با این شرط که قانون اساسی (جمهوری چهارم) را اصلاح کند و شش ماه نیز کشور را به اراده خود و از طریق صدور بخشنامه (به جای مصوبه پارلمان) اداره کند با بازگشت به قدرت موافقت کرد.

در توسل به دوگل، رهبران همه احزاب جز فرانسوا میتران شرکت کرده بودند، دوگل از آن روز تا 28 اپریل سال 1969 بر فرانسه حکومت کرد و در این مدت فرانسه را وارد باشگاه اتمی ها ساخت، مرکز ناتو را از فرانسه بیرون انداخت و فرانسه را از فعالیت های نظامی این اتحادیه بیرون کشید، با شوروی و آلمان دوستی ویژه برقرار کرد، با اصلاح قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه را ساخت، تا زنده بود مانع ورود انگلستان به بازار مشترک اروپا (پدر اتحادیه اروپا) شد، به مستعمرات فرانسه استقلال داد و وی يك سال پس از کناره گیری در 81 سالگی و در همان ماهی که به دنیا آمده بود درگذشت، دوگل مشکلات فرانسه تا جون سال 1958 را ضعف مدیریت و کمبود مدیر خوب اعلام کرده بود، وی يك مینهدوست بود.

روز شمار، دوم جون

=====

1 - رژیم سلطنتی ایتالیا منحل شد :- بتاريخ 2 جون سال 1946 میلادی مردم ایتالیا با شرکت در يك همه پرسی برای انتخاب حکومت خود میان رژیم سلطنتی و رژیم جمهوری به رژیم جمهوری رای دادند و به این ترتیب حکومت سلطنتی در ایتالیا برچیده شد، براساس قانون اساسی جدید ، رئیس جمهور به عنوان رئیس کشور با رای گیری در مجلس سنا ، مجلس نمایندگان و شورای

نمایندگان منطقه ای برای مدت هفت سال انتخاب می‌شد، بر اساس قانون اساسی سال 1948 میلادی، دو مجلس سنا با 315 کرسی و مجلس نمایندگان با 630 کرسی قوه مقننه کشور ایتالیا محسوب شدند، نمایندگان این دو مجلس در انتخابات عمومی برای یک دوره 5 ساله انتخاب می‌گردیدند، پس از انحلال حکومت سلطنتی ایتالیا مجلس موسسان " انریکو دونیکولا" را به عنوان رئیس جمهور موقت انتخاب کرد تا پس از تدوین قانون اساسی، انتخابات عمومی برگزار شود و نمایندگان مجلسین سنا و نمایندگان و شورای نمایندگان منطقه ای رئیس جمهور کشور را انتخاب کنند همچنین سرود ملی ایتالیا تغییر کرد و سرود ملی جدید با الهام از ریسورجیمنتو (دوره ۲ در قرن نوزدهم که وحدت ایتالیا تحقق یافت) انتخاب گردید، در همه پرسه عمومی برای انتخابات میان حکومت سلطنتی یا جمهوری، 12/7 میلیون نفر به رژیم جمهوری و 10/7 میلیون نفر به ابقای رژیم سلطنتی رای دادند، به این ترتیب در روز 2 جون سال 1946 میلادی رژیم سلطنتی ایتالیا منحل شد " اومبرتو" آخرین پادشاه ایتالیا کشور پرتگال را به عنوان تبعیدگاه خود انتخاب کرد.

روز شمار، سوم جون

=====

1 - اولین بار تزریق خون در جراحی :- بتاريخ 3 جون سال 1667 میلادی : برای نخستین بار در تاریخ طب و جراحی تزریق خون انجام شد، این عمل را یک دکتر فرانسوی به نام " ژان دنیس" انجام داد، تزریق خون به بیماران تحولی عظیم در مجامع طب به وجود آورد زیرا تا این هنگام بسیاری از بیماران به دلیل کمبود خون و بر اثر خونریزی از طریق جراحات و زخمهایشان جان خود را از دست می‌دادند، گفتنی است ژان دنیس در نخستین آزمایش خود از خون یک بره برای تزریق به بدن یک انسان استفاده کرد .

2- قتل عام در مدرسه هند :- بتاريخ 3 جون سال 1502 میلادی : قتل عام فجیع کالی کوت توسط " واسکودوگاما" دریانورد پرتگالی رخ داد، کالی کوت بندری است در مدرسه هندوستان که امروزه " کوزیکود" خوانده می‌شود، این اولین بندری است که واسکودوگاما در سال 1498 میلادی به آنجا رسید، او نیز مانند هراستعمارگر دیگر خود را صاحب اصلی هندوستان می‌دانست و هنگامی که هشتصد تن دریانورد عرب به قصد تجارت برنج وارد بندر کالی کوت شدند، دستور داد ابتدا دستها، گوشها و بینی دریانوردان را ببریند و پس از آتش زدن کشتی های آنها همه را قتل عام کردند .

روز شمار، چهارم جون

=====

1- کشف نخستین اسکلیت :- بتاريخ 4 جون سال 1893 میلادی : نخستین اسکلیت کامل یک دانیاسور کشف گردید و اطلاعات بدست آمده از مطالعه بر روی این اسکلیت می‌توان نتیجه گرفت که حیوانات عظیم الجثه در دوران " مزوزوئیک" می‌زیسته اند بعضی از انواع این حیوان، گیاهخوار و برخی دیگر گوشتخوار بوده اند، بنا بر تحقیقات به عمل آمده، دانیاسورها حیواناتی تخم گذار بودند و هم اکنون هزاران سال است که نسل این حیوانات منقرض گردیده است .

روز شمار، پنجم جون

=====

1 - نخستین کنفرانس بین المللی محیط زیست :- بتاريخ 5 جون سال 1972 میلادی : نمایندگان 113 کشور جهان نخستین کنفرانس بین المللی محیط زیست را در استکهلم سوئد برگزار کردند، از اهداف اصلی این کنفرانس برنامه ریزی به منظور احداث مراکز مسکونی با توجه به حفظ کیفیت محیط زیست، تعیین تشخیص و کنترل مواد آلوده کننده محیط زندگی، و حفاظت از محیط زیست برای نسلهای آینده بود حاصل این کنفرانس تأسیس یک سازمان نوین بین المللی برای حفظ محیط زیست بود .

روز شمار، ششم جون

=====

1 - پیاده شدن نیروهای متفقین در ساحل نرماندی :- بتاريخ 6 جون سال 1944 میلادی ، هنگام صبحدم ، 4000 کشتی های که پرسونل را حمل میکرد توسط 700 فروند کشتی جنگی محافظت می شدند، آنان به سواحل ایالت " نرماندی " فرانسه که در اشغال سربازان آلمان نازی بود ، نزدیک شدند، این کشتی ها که حامل 130000 سرباز نیروهای متفقین از ملیت های مختلف بودند ، در جبهه ای به طول 35 کیلومتر حمله به استحکامات آلمانی را آغاز کردند، در شب قبل از حمله هزاران فراسوتیست نیروهای متفقین در پشت مواضع آلمانی ها فرود آمده بودند، حدود 10000 ، بال طیاره نیروهای متفقین استحکامات قوای آلمان در ساحل اقیانوس اطلس که به دیوار آتلانتیک معروف بود را بمباران کردند، نیروهای آلمانی که از دیوار آتلانتیک دفاع می کردند شامل 250 هزار سرباز بودند که تحت فرماندهی " فیلد مارشال رومل" قرار داشتند، گشودن یک جبهه دوم غربی از حدود یک سال پیش برنامه ریزی شده بود، در جبهه شرقی " استالین" برای دست زدن به یک ضد حمله علیه نیروهای نظامی آلمان نیاز داشت که بخشی از قوای نظامی آلمان درگیر جنگ در یک جبهه دوم شود، فرماندهی نیروهای متفقین به ساحل نرماندی به عهده جنرال امریکایی " دوایت آیزنهاور" بود، در نخستین روز حمله به سواحل نرماندی ، ده ها لشکر از نیروهای متفقین در زیر آتش تفنگ ها و توپخانه قوای نظامی آلمان به کمک کشتی های سریع پرسونل در ساحل پیاده شدند که هزاران نفر از آنها بر اثر آتش سنگین آلمانی ها جان خود را از دست دادند ، اما شجاعت سربازان کانادایی که به عنوان خط شکن عمل می کردند ، باعث شد تا نیروهای متفقین بتوانند سر پل هایی را در ساحل نرماندی ایجاد کنند، آلمانها در برخی از نقاط استحکامات آتلانتیک از جمله در اطراف شهر " کائن" فرانسه حدود یک ماه مقاومت کردند ، اما تا ماه جولای دستکم 1/5 میلیون نفر از سربازان متفقین در خاک فرانسه پیاده شده بودند، به این ترتیب ، پیاده شدن سربازان متفقین در روز 6 جون سال 1944 میلادی نقطه عطفی برای سقوط رژیم آلمان نازی در 11 ماه بعد از این تاریخ بود.

2 - تولد توماس مان نویسنده آلمانی :- بتاريخ 6 جون سال 1875 میلادی : " توماس مان" نویسنده عالیقدر آلمانی در بندر " لوبک" دنیا آمد ، او از اوایل جوانی در کنار تحصیل به کار پرداخت و از همان زمان هم به نویسندگی مشغول شد، نخستین اثر او " فریدمن کوچک" نام دارد که در حقیقت زندگی خودش را در این کتاب به رشته تحریر در آورده است، " توماس مان" در سال 1929 میلادی جایزه نوبل ادبی را دریافت داشت و در سال 1955 میلادی پس از هشتاد سال زندگی بدروید حیات گفت، گفتنی است برجسته ترین اثر او " تونیو کروگر" نام دارد .

روز شمار، هفتم جون

=====

1- تقسیم دنیا بین هسپانیا و پرتگال :- بتاريخ 7 جون سال 1494 ميلادي نمايندگان پادشاهان پرتگال و هسپانیا در شهر "توردسيياس" واقع در ايالت "والدوليد" هسپانیا ، پيماني به نام پيمان توردسيياس را امضاء کردند که براساس آن به استثناء قاره اروپا ، اين دو قدرت دريايي آن زمان ، دنيا را بين خود تقسيم کردند، پرتگال کشور کوچک ساحلي اروپا که از يك نبرو دريايي قدرتمند برخوردار بود ، جهانگشايي خود را از سال 1415 ميلادي با اشغال بخشي از ساحل مراکش آغاز کرد، دريانوردان پرتگالی در اوایل قرن پانزدهم جزاير " آزور" واقع در اقیانوس اطلس را کشف کردند، این دریانوردان سواحل غربي آفریقا را مورد اکتشاف قرار مي دادند تا بلکه با دور زدن این قاره راهي به سوي هندوستان بیابند، آنها براي این که به مالکیت خود بر مناطق کشف شده مشروعیت ببخشند ، در سال 1481 امتیازي را از " پاپ" وقت دریافت کردند که چون قصد مسیحي کردن ساکنان این نواحی را دارند ، مالکیت مناطق کشف شده متعلق به پرتگال است، در این میان " کریستف کلمب" که تحت فرمان سلطنت هسپانیا بود ، اقیانوس اطلس را پیمود و قاره امریکا را کشف کرد، در روم ، پاپ " الکساندر ششم بورجیا" در 4 می سال 1493 ميلادي دو هفته پس از بازگشت کریستف کلمب ، قانون سال 1481 را لغو کرد و براي جلوگیری از جنگ و خونریزي میان دو کشور مسیحي هسپانیا و پرتگال تصویب کرد که سرزمین هاي تازه ء که در غرب مجمع الجزاير " آزور" واقع شده اند متعلق به هسپانیا و سرزمین هاي واقع در شرق این مجمع الجزاير متعلق به پرتگال هستند، اما پرتگالی ها به این تصمیم اعتراض کردند زیرا سهم آنها به باریکه اي از ساحل آفریقا محدود مي شد، سرانجام دو کشور براي اجتناب از جنگ مذاکراتي را آغاز کردند که منجر به امضای پیمان "توردسيياس" در 7 جون سال 1494 ميلادي شد، براساس این پیمان مرز قلمرو دو قدرت دريايي به 370 مایلي جزاير " دماغه سبز" منتقل شد و تمام سرزمین هايي که در غرب این مرز بود به مالکیت هسپانیا و سرزمین هايي که در شرق آن واقع شده بود به تملک پرتگال درآمد، " پاپ الکساندر ششم" به نوبه خود این پیمان را تصویب کرد، به این ترتیب پرتگال و هسپانیا جهان آن روزگار را بين خود تقسیم کردند.

2 - تحول فرهنگی و اجتماعی روسیه :- بتاريخ 7 جون سال 1796 ميلادي : به دستور " پل اول تزار روسیه" تحول فرهنگی - اجتماعي این سرزمین پهناور آغاز شد، این امر به تقلید از " رنسانس" و تحول فرهنگی اروپائیان در روسیه صورت گرفت، اما در نهایت منجر به برخی تغییرات ظاهري گردید و هیچ گونه تحول عمیق فرهنگی را دربر نداشت.

روز شمار، هشتم جون

=====

1 - درگذشت لویی هفدهم در زندان تامل :- بتاريخ 8 جون سال 1795 ميلادي: لویی هفدهم پادشاه ناکام فرانسه در سن ده سالگی در زندان " تامل" در تنهایی و گمنامی درگذشت، " لویی شارل" پسر کوچکتر لویی شانزدهم پادشاه فرانسه در روز 27 مارچ 1785 ميلادي متولد شد، وي پس از درگذشت برادر بزرگترش در 4 جون سال 1789 ولیعهد فرانسه گردید، در 13 اگست سال 1792 ميلادي پس از سرنگونی سلطنت فرانسه ، لویی شارل به همراه پدر و مادرش ، لویی شانزدهم و ملکه " ماری آنتوانت" ، عمه اش الیزابت و خواهر بزرگترش در زندان قلعه تامل پاریس زندانی شد، وي پس از اعدام پدرش لویی شانزدهم توسط " گیوتین" در 21 جنوری سال 1793 ميلادي، لویی هفدهم لقب پادشاهی بخود گرفت و کشورهای اروپايي و فرانسویان تبعیدی عنوان پادشاهی وي را به رسمیت شناختند، اما کودک زندان " تامل" هرگز نتوانست از مزایای عنوان خود استفاده کند، کودک خردسال را چند ماه بعد از مادرش " ماری آنتوانت" جدا کرده و او را به دست زندانبان بیرحمي به نام سیمون سپردند، این مرد سنگدل هر روز کودک بیگناه را « سیلی » مي زد و به کارهاي شاقه وادار مي کرد، پس از سقوط " روبسپیر" و پایان گرفتن دوره ترور انقلاب فرانسه ، میانه روهای مجلس کنوانسیون تصمیم گرفتند لویی هفدهم را با اسرای فرانسوي که در اختیار امپراطوري اطریش بودند معاوضه کنند، اما این کودک در اثر سالها رنج و مرارت به شدت بیمار بود و قبل از اجرای این مبادله بر اثر بیماری " سل" در روز 8 جون سال 1795 در زندان " تامل" درگذشت، " ماری ترز شارلوت" خواهر بزرگتر وي خوش اقبال تر بود، وي در روز 19 دسامبر 1795 با زندانبان فرانسوي مبادله شد و به امپراطوری اطریش تحویل داده شد، به این ترتیب لویی هفدهم پادشاه خردسال فرانسه بي آن که رنگ سلطنت را ببیند ، در تنهایی و گمنامی در زندان مخوف قلعه " تامل" پاریس درگذشت.

2 - اختراع گوگرد :- بتاريخ 8 جون سال 1830 ميلادي : گوگرد (کبريت) توسط " کامبرز" مخترع الماني ساخته شد، مهمترین تفاوت گوگرد اوليه با گوگرد هاي موجود در سرعت احتراق آن بود، بعد از کامبرز چندین محقق دیگر بر روي گوگرد ساخت او ، آزمایش کردند تا اینکه سرانجام فیلیپین امریکایی موفق شد گوگردی از نوع گوگرد هاي امروزي بسازد.

روز شمار، نهم جون

=====

1- افتتاح نخستین انستیتوت اسلامی در مسکو :- بتاريخ 9 جون سال 1991 ميلادي : نخستین مرکز اسلامي و انستیتوت فرهنگی - اسلامي مسکو با حضور جمعی از سفرا و نمايندگان کشورهای اسلامي در مسکو افتتاح شد، در این گردهمایی رئیس شوراي مليت هاي پارلمان شوروي سابق نیز حضور داشت، هدف از تشکیل این انستیتوت اشاعه و گسترش ارزشهاي فرهنگی و معنوي اسلام در بلوک شرق به ویژه شرق مسکو بود، " راویل غني الدین " امام جماعت مسجد مسکو در مراسم افتتاحیه این مرکز ضمن سخنانی اظهار داشت : توسعه و تبلیغ ارزشهاي اسلامي به ویژه در میان هشتصد هزار مسلمان ساکن شهر مسکو و اطراف آن يکي از مهمترین اهداف تشکیل این مرکز فرهنگی به شمار مي رود .

2- کشور ویتنام در قيمومیت فرانسه قرار گرفت :- بتاريخ 9 جون سال 1885 ميلادي براساس پیمان تین تسین کشور چین از حقوق خود در مورد پادشاهی آنام (ویتنام) صرف نظر کرد و این پادشاهی تحت قيمومیت فرانسه درآمد، جمهوري فرانسه براساس این پیمان بر سه ايالت چین { (تونکن در شمال) ، (آنام در مرکز) و (کوشین شین در جنوب) } تسلط یافت دو سال بعد، در سال 1887 ، فرانسه متصرفات خود در جنوب شرقي آسيا را در يك اتحاد هندوچین یکپارچه کرد، در سال 1893 ميلادي " لائوس" نیز به (کوشین شین ، آنام ، تونکن و کامبوج) پیوست، براي " ویتنامي ها" این آغاز يك دوره پراشوب طولاني در تاريخ دو هزار ساله آنها به شمار مي آید، نخستین سلسله پادشاهی کشور " ویتنام " شامل 18 پادشاه هانگ از 257 تا 700 قبل از ميلاد با پادشاهی " وان لانگ" در شمال ویتنام کنونی متحد شد، در این دوران تمدن شکوفای " دونگ سان" يك عصر برنز پررونق شکل گرفت، در سال 111 قبل از ميلاد امپراطوري مرکزي چین ناحیه " تونکن" را فتح کردند و آن را مدت 1000 سال در تصرف داشتند، چین در سال

679 میلادی کشور " آنام " را تاسیس کرد و پس از فتح " کوشین شین " این دو منطقه را ادغام نمود، در سال 938 میلادی ، " نگوکوبین " پادشاه " آنام " بر قوای نظامی امپراطوری چین پیروز شد و چین استقلال این کشور را تحت نام " دای ویت " پذیرفت . در سال 1413 میلادی چینی ها دوباره بازگشتند، اما جنبش مقاومت به رهبری " له لوا " دلتای رودخانه سرخ را در سال 1426 میلادی آزاد کرد و فاتح در سال 1428 سلسله " له " را تاسیس کرد که تا سال 1788 سلطنت این سلسله ادامه داشت، اما قدرت واقعی این سلسله از سال 1524 میلادی عملاً از بین رفت و قلمرو آنها میان جنگ سالاران تقسیم شد، با ورود کشیش های " ژرویت " به آسیای جنوب شرقی ، نفوذ فرانسه در این منطقه رو به افزایش نهاد، براساس پیمان " سایگون " در 5 جون سال 1842 ، امپراطور « تودوک » منطقه " کوشین شین شرقی " را به فرانسه داد، فرانسه سپس " آنام و تونکن " را به تصرف خود درآورد ، اما با مخالفت امپراطوری چین مواجه شد، با این حال ، به دلیل ضعف و فتور امپراطوری چین که از هر سو از طرف قدرت های غربی که امتیازاتی را در این کشور می طلبیدند ، تحت فشار قرار داشت ، سرانجام در روز 9 جون سال 1885 با امضای پیمان " تین تسین " قیمومیت فرانسه را بر مناطق (تونکن ، آنام و کوشین شین) به رسمیت شناخت، این سرآغاز دوره ای پر آشوب استعماری برای مردم ویتنام بود که کشور آنها چندین بار درگیر جنگ های خونین با فرانسه ، سپس جاپان ، بار دیگر فرانسه شد . با شکست فرانسه در " دین بین فو " به 7 می سال 1954 میلادی ویتنام به دو کشور { (ویتنام شمالی) و (ویتنام جنوبی) } تقسیم گردید، با خروج فرانسوی ها از ویتنام ، امریکایی ها جای آنها را گرفتند که منجر به جنگ خونین ویتنام شد، " لائوس و کامبوج " نیز در این جنگ گرفتار شدند، در سال 1973 براساس توافقات پاریس ، " ریچارد نیکسون " رئیس جمهور امریکا پیمان صلحی را امضا کرد که نخستین شکست نظامی امریکا در تاریخ این کشور محسوب می شد، با خروج نیروهای امریکایی از ویتنام جنوبی ، حکومت " سایگون " در 30 اپریل سال 1975 میلادی سرنگون شد، به این ترتیب ویتنام بار دیگر وحدت و استقلال کامل خود را بازیافت .

روز شمار ، دهم جون

=====

1 - قانون اساسی کانادا امضا شد: - بتاريخ 10 جون سال 1791 میلادی ، جورج سوم پادشاه انگلستان نخستین قانون اساسی کانادا را امضا کرد، وی این مستعمره را به 2 ایالت تقسیم نمود، در غرب رودخانه { اوتاتونه (اوتاوا به انگلیسی) ایالت کانادا علیا با اکثریت انگلیسی زبان تاسیس شد،} در شرق این رودخانه { ایالت کانادا سفلی با اکثریت فرانسه زبان } به وجود آمد، این ایالت دارای 160000 جمعیت بود و شهر " کبک " به عنوان مرکز آن انتخاب شد، کانادا سفلی که قبل از این فرانسه جدید نامیده می شد در 10 فیبروری سال 1763 پس از شکست " مون کالم " سردار فرانسوی در دفاع از " کبک " و مرگ وی بر اساس پیمان پاریس از تملک فرانسه خارج شد و به مالکیت انگلستان درآمد، مالکان جدید ابتدا سختگیری زیادی را نسبت به مهاجران فرانسوی نشان دادند، انگلیسی های پروتستان مذهب مهاجران فرانسوی کاتولیک مذهب را تحت فشار قرار داده و مانع آزادی مراسم مذهبی آنها می شدند و حتی استفاده از زبان فرانسه را ممنوع کرده بودند، اما پس از شورش سیزده ایالت مهاجرنشین امریکا علیه نیروهای انگلیسی ، آنها سختگیری نسبت به مهاجران فرانسوی را کاهش دادند، در 22 جون سال 1774 میلادی ساکنان ایالت فرانسه جدید با تصویب قانون " کبک " بار دیگر تمام حقوق خود را به دست آوردند، آنها آزادی مذهب، آزادی سخن گفتن به زبان فرانسه و حقوق مدنی خود را باز یافته و در مجمع کانادا صاحب کرسی نمایندگی شدند حتی قلمروی آنها گسترش یافت، مهاجران فرانسوی که انتظار هیچ کمکی از جانب فرانسه را نداشتند، تصمیم گرفتند به تاج و تخت انگلستان وفادارباشند، اما پس از استقلال امریکا ، 40000 نفر از طرفداران سلطنت انگلستان به کانادا گریختند و 8000 نفر از آنها به ایالت " کبک " وارد شدند، اما آنها با قوانین فرانسوی مخالف بودند، با امضای نخستین قانون اساسی کانادا در روز 10 جون سال 1791 میلادی توسط " جرج سوم " پادشاه انگلستان رضایت هر دو جامعه کسب شد، با ایجاد دو ایالت (کانادا علیا و کانادا سفلی) و ایجاد سیستم پارلمانی ، مجلس از نمایندگان منتخب تشکیل شد اما فرمانداران این دو ایالت را پادشاه انگلستان انتخاب می کرد، در 23 جولای سال 1840 میلادی با تصویب پیمان اتحاد ، دو ایالت کانادا علیا و کانادا سفلی متحد شده و کانادا متحد را تشکیل دادند .

در روز اول جولای سال 1867 ، ملکه " ویکتوریا " پیمان امریکایی شمالی انگلیسی را امضا کرد که براساس آن کنفدراسیون کانادا به شکل امروزی آن ایجاد شد، براساس این پیمان دو مهاجرنشین (نیوبرانشویگ و نیواسکاتلند) نیز به کنفدراسیون کانادا منضم شدند، روز اول جولای سال 1867 به روز جشن ملی کانادا تبدیل شد، ایالات قدیمی کانادا علیا و سفلی به ترتیب " اونتاریو " و " کبک " نام گرفتند، به این ترتیب امضای قانون اساسی اولیه کانادا در روز 10 جون سال 1791 میلادی نخستین گام برای ایجاد کشور متحد کانادا بود .

2 - گالیله حلقه دوم سیاره بنام زحل را کشف کرد :- بتاريخ 10 جون سال 1610 میلادی : گالیلئو گالیله ئی منجم و ریاضیدان معروف ایتالیایی موفق به کشف حلقه دوم سیاره زحل گردید، گالیله به هنگام کار و تحقیق به سبب استفاده از تلسکوپ ابتدایی و ضعیف موفق به تعیین ماهیت دقیق این حلقه نشد، از این رو آن را زائده ای دانست که همراه زحل در یک مدار مشترک گردش می کند اما همین حلقه بعد ها توسط منجمین و دانشمندان مورد مطالعه قرار گرفت و به نام حلقه دوم سیاره زحل ثبت گردید .

3 - ترور در فرانسه آغاز شد :- بتاريخ 10 جون سال 1794 میلادی : دوره ترور یا وحشت در فرانسه آغاز شد، پس از انقلاب فرانسه به دستور روبسپیر این دوره با ترور شخصیت های معروف انقلاب شروع گردید، روبسپیر از رهبران انقلاب فرانسه قصد داشت کلیه مخالفان خود را از میان برداشته، قدرت را در فرانسه بدست گیرد، به همین انگیزه عده زیادی از وکلاء ، وزراء ، افسران ، قضات و سیاستمداران کشور را به زیر تیغ " گیوتین " برد، از جمله کسانی که در این دوره کشته شدند " لاووازیه " شیمیدان معروف و " اندره شینییه " شاعر فرانسوی بودند، گفتنی است دوره ترور که در تاریخ فرانسه از آن تحت عنوان دوره وحشت یاد می شود تا روز 27 جولای 1794 میلادی به طول انجامید .

4 - تاسیس شورای جهانی صنایع دستی :- بتاريخ 10 جون سال 1964 میلادی : شورای جهانی صنایع دستی تاسیس گردید و در این روز به عنوان روز جهانی صنایع دستی اعلام شد، در مجمع آسیایی این کشور نزدیک به 20 کشور آسیا واقیانوسیه عضویت دارند و همه ساله اجلاس آسیایی شورای جهانی صنایع دستی در نقاط مختلف این بخش از کره زمین برگزار می شود .

روز شمار ، یازدهم جون

=====

1 - خودسوزی راهب بودایی علیه دولت :- بتاريخ 11 جون سال 1963 ميلادي : نخستين راهب بودايي در اعتراض به سياست هاي حكومت امريكايي «نگودين ديم» رييس جمهور ويتنام جنوبي در شهر سايگون و در ملاعام دست به خودسوزي زد، در پايان جنگ فرانسه در هند و چين پيمان صلح ژنو امضا شد، براساس اين پيمان ، استقلال لائوس ، كامبوج و ويتنام كه به 2 بخش شمالي و جنوبي در مدار 17 درجه تقسيم شده بود ، به رسميت شناخته شد، در شمال مدار 17 درجه جمهوري دموكراتيک ويتنام شمالي كه متحد چين و شوروي بود ، تاسيس شد، در جنوب ويتنام جنوبي حكومت سلطنتي بانوداي را حفظ كرد. «بانوداي» امپراطور ويتنام جنوبي نگودين ديم را بحيث صدراعظم انتخاب كرد، نگودين ديم با حمايت امريكا كه پيمان ژنو را امضاء نكرده و آن را به رسميت نمي شناخت در سال 1955 حكومت سلطنتي بانوداي را سرنگون كرد و اعلام جمهوري نمود، نگودين ديم در يك انتخابات فرمايشي رئيس جمهور ويتنام جنوبي شد و با امريكا در جنگ عليه ويتنام شمالي متحد شد، نگودين ديم يك كاتوليک بود و تمام اعضاي دولت خود را از ميان افراد فاميل و ديگر كاتوليک ها انتخاب كرد، به طوري كه تمام ابزار قدرت در ويتنام جنوبي بودايي مذهب در اختيار كاتوليک ها بود، وي يك حكومت ديكتاتوري ايجاد كرد و بيش از پيش مردم و به ويژه راهبان بودايي را تحت فشار قرار داد، در سال 1963 ميلادي راهبان بودايي به تنگ آمده و مبارزه با نگودين ديم را آغاز كردند، در 8 مي سال 1963 ، راهبان بودايي تظاهراتي را عليه نگودين ديم در سايگون برپا كردند كه نبروهاي دولتي 8 راهب را در جريان اين تظاهرات به قتل رسانند و در پي آن سرکوب همه مخالفان دولت «ديم» شدت يافت، در روز 11 جون سال 1963 ميلادي ، يك راهب 66 ساله بودايي به نام تيش کوانگ دوک در اعتراض به ديكتاتوري ، فساد مالي ، بي عدالتي حكومت نگودين ديم در مقابل ديگان هزاران نفر در شهر سايگون دست به خودسوزي زد، وي در حالي كه در آتش مي سوخت ، بي حرکت بر زمين نشسته بود و حتي ناله نمي كرد، در پي خودسوزي کوانگ دوک ، راهبان ديگري نيز در ملاعام در اعتراض به حكومت ديم دست به خودسوزي زدند، امريكا كه متوجه شده بود ادامه حكومت نگودين ديم ديگر به صلاح منافع امريكا نيست ، از حمايت وي دست برداشت، در نوامبر سال 1963 نظاميان عليه حكومت ديم دست به کودتا زدند و حكومت وي را ساقط كردند، نگودين ديم توسط حكومت جديد تيرباران شد، به اين ترتيب خودسوزي کوانگ دوک در 11 جون سال 1963 ميلادي سرآغاز سرنگوني حكومت فاسد نگودين ديم در 5 ماه بعد از اين واقعه شد.

2 - تجزيه نور خورشيد :- بتاريخ 11 جون سال 1855 ميلادي : نورخورشيد با بكارگيري روشهاي علمي تجزيه شد و چگونگي رنگهاي قوس قزح مشخص گرديد، اين عمل براي نخستين بار در تاريخ تحقيقات نوين فيزيكي انجام شد، تشكيل قوس قزح و ترتيب رنگهاي آن به علت تفرق نورخورشيد است كه توسط قطرات آب موجود در ابرها ايجاد مي شود نظريه ارسطو درباره اين پديده طبيعي كهن ترين نظريه است كه بعدها مسلمانان نيز با آن آشنايي يافتند، ابو علي سينا بلخي؛ ابن هيثم؛ و قطب الدين شيرازي با افزودن مطالبی بر نظريه ارسطو آن را به نحو قابل قبولي توجیه کرده اند و به عبارتی نظریه مزبور را تکمیل نمودند.

3 - استقلال خواهی مردم مصر :- بتاريخ 11 جون سال 1882 ميلادي : به دنبال حرکت مردم استقلال طلب مصر، جمع کثیری از اروپائیان از بندر اسکندریه اخراج شدند، حرکت مردم مصر، از هنگامی آغاز گردید که توفیق پاشا خدیو مصر نظارت مشترک فرانسه و انگلیس را بر امور مالیه مصر پذیرفت ، به دنبال آن و به واسطه فشار مردم، دولتي مخالف منافع دول استعمارگر اروپايي در مصر روي کار آمد اما با اعمال نظر دولتهای فرانسه و انگلیس دولت تازه تاسيس گرديد، در سال 1822 ميلادي انگلستان كه از تشديد شورشيهاي مردمی مصر منافع خود را در خطر جدي مي دید، بندر اسکندریه را شدیداً بمباران کرد و با پیاده کردن قوای نظامی عملاً مصر را تحت اشغال خود درآورد سرانجام چند سال بعد يعني در سال 1922 ميلادي در انگلستان استقلال مصر را به رسمیت شناخت .

روز شمار، دوازدهم جون

=====

1 - مجمع الجزایر مالدیو، تحت الحمایه انگلیس درآمد :- بتاريخ 12 جون سال 1887 ميلادي : مجمع الجزایر مالدیو به موجب قرارداد منعقدہ میان سلطان آن سرزمین و دولت انگلستان به صورت سرزمین تحت الحمایه انگلیس درآمد، در این کشور که ابتدا تحت سلطه پرتگالی ها و ها لندي ها بود، سرانجام در سال 1965 ميلادي مستقل و به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد، مالدیو با 298 هزار كيلومتر مربع مساحت در جنوب سواحل هند واقع است واز بيست هزار جزيره مرجاني تشكيل شده كه تنها 215 جزيره آن مسكوني هستند .

2 - شكست كشتی دریایی اسپانیا از امريكا :- بتاريخ 12 جون سال 1898 ميلادي : در پي شكست كشتی دریایی اسپانیا از امريكا، جزایر فیلیپین در مقابل بیست میلیون دالر به امريكا فروخته شد، اندكي بعد این کشور توسط جاپان تصرف شد و در سال 1945 ميلادي مجدداً به استقلال دست يافت، اما حكومت آن توسط عمال امريكايي اداره مي شد، در سال 1947 ميلادي این کشور پيماني 99 ساله با دولت امريكا امضاء كرد كه به موجب آن امريكا بيست و سه پایگاه استراتژیک نظامي در سراسر فیلیپین ايجاد كرد، این پیمان بعدها به يك پیمان بیست و پنج ساله تغییر نمود .

روز شمار، سیزدهم جون

=====

1 - در گذشت اسکندر مقدونی :- بتاريخ 13 جون سال 323 قبل از ميلاد اسکندر مقدوني در سن 32 سالگي بر اثر بيماري تب در بابل در بين النهرين درگذشت، وي قبل از مرگ خود بخش بزرگي از جهان شناخته شده آن روزگار را فتح کرده بود، اسکندر در 21 جولای سال 356 قبل از ميلاد متولد شد، وي پسر فيليپ دوم پادشاه مقدونيه بود، اسکندر در سرزمين هاي مفتوحه يك حكومت مشترك از يوناني ها ، مقدوني ها و پارس ها را ايجاد كرد، سرزمين هاي فتح شده توسط اسکندر از مصر تا دروازه هاي چين گسترش داشت.

طوريكه تاريخ گواست كه قوای داریوش سوم هخامنشی در سه جنگ (گرانیک) (گوگامل) و (اربلس) از هم پاشید و منهدم شد، درین وقت خاک های وطن عزیز مان افغانستان پیوست به امپراطوری هخامنشی بود و جزء ایالات شرقی آن بشمار میرفت و امرای محلی به لقب (ساتراپ ها) یا نایب الحکومه ها به هر ایالتی حکمرانی داشتند، قراریکه از یاداشت های مورخان یونان و رومی بر می آید اسکندر و سپاه یونانی بعد از وصول به حوزه هری رود که آنرا (اریوس) خوانده اند به مقاومت شدیدی مواجه شدند، این مقاومت از کناره های هری رود تا کناره های اندوس (اباسین) در ماحول قلعه ها در پیرامون جرگه ها در دامنه های

کوها همه جا محسوس بود و به مراتب شدت آن در باختران و در دره ها و معبر های تنگ و دشوار گذار کهستانات مرکزی و شرقی افزوده شده میرفت چنانچه انعکاس آن در داستانها و افسانه های فلکلور ما تاحال موجود است اولین مقاومت شدید علیه اسکندر در مقابل حصار (ارته کواتا) که شهر با قلعه محکمی بود بجای هرات موجود شروع شد، حکمران این ایالت که (سستی برزن) نام داشت باجمعی از قوای خود قلعه را گذاشته در 20 فرسنگی آن در نقطه بلند و پر از جنگل به مدافعه پرداخت، چون اسکندر در جنگل انبوه بر میلیون هراتی حمله نمیتوانست جنگل مذکور را آتش زد و به این حيله مقاومت اهالی حوزه هری رود را شکست داد.

پس از مرگ اسکندر امپراطوري که وي ايجاد کرده بود ، میان سرداران وي تقسیم شد و هر يك از آنها سلسله اي را ايجاد کردند، بطلمیوس سردار اسکندر سلسله فراغه بطالمة را در مصر ايجاد کرد، سلوکوس سلسله سلوکیان را در متصرفات اسکندر در ایران تاسیس نمود، آنتیگون بر آسیای صغیر تسلط یافت و آنتی پار در مقدونیه به سلطنت رسید، از جمله اقدامات غیر قابل بخشایش اسکندر آتش زدن کاخ با شکوه تخت جمشید بود که همواره لکه سیاهی در زندگی اسکندر محسوب می شود، به لطف فتوحات اسکندر تمدن و فرهنگ هلنی در جهان آن روزگار رواج یافت و امروزه بقایای آن را می توان در نقاط مختلف سرزمین هایی که توسط اسکندر فتح شدند را مشاهده کرد، اسکندر مقدونی در روز 13 جون سال 323 قبل از میلاد درگذشت ، اما خاطره وي با وجود شهرهایی مانند اسکندریه مصر و آثار باستانی تمدن هلنی تا امروز باقی مانده است.

2 - مهاجرت یهودیان از نقاط جهان به فلسطین :- بتاريخ 13 جون سال 1921 میلادي : نخستین حرکت بزرگ عربهای ساکن فلسطین علیه صهیونیست ها آغاز شد، آنان با این حرکت خود به سیاست استعمار جهانی از یهودیان صهیونیست مقیم فلسطین اعتراض کردند، به موجب این سیاست استعماري مهاجرت یهودیان از سراسر نقاط جهان به فلسطین آغاز شد و اسکان آنان تا سال 1923 میلادي به بیش از سي و پنج هزار تن بالغ شده بود .

3 - پاریس به تصرف المانی ها در آمد :- بتاريخ 13 جون سال 1940 میلادي : پاریس پایتخت زیبای فرانسه در جریان جنگهای جهانی دوم به تصرف نیروهای المان نازی در آمد، سربازان هیتلر پس از تصرف پاریس پیروزمندانه در سرکها شهر رژه رفتند، حمله المان نازی به فرانسه به دنبال حمله به هالند و ناروی و بلجیم در ماه می سال 1940 میلادي شروع شد و پس از انحلال قوای مسلح فرانسه در این روز ، پاریس تسخیر گردید .

روز شمار، چهاردهم جون

=====

1 - فرانسوی ها وارد الجزایر شدند:- بتاريخ 14 جون سال 1830 میلادي نیروهای فرانسوي در ساحل سیدی فروش در 25 کیلومتری شهر الجزیره از کشتی های جنگی خود پیاده شدند، شهر و سرزمین الجزیره در آن زمان از سه قرن پیش تحت مالکیت سلطان عثمانی بود، يك نایب الحکومه از سوي سلطان عثمانی اداره امور را در دست داشت، فتح الجزایر توسط فرانسوي ها که هم برای فرانسه و هم برای الجزایر عواقب نامطلوبی داشت ، در نتیجه يك سوءتفاهم رخ داد، بدین معنی که در سال 1798 میلادی حکومت دیرکتوار فرانسه برای تأمین نیاز قوای نظامی جنرال بناپارت که مصر را تسخیر کرده بود ، از نایب الحکومه الجزیره گندم خریداري می کند، فرانسه این گندم را از طریق دریافت قرض از صرافان یهودی الجزیره می خرد، آنها نیز برای دادن این قرض از حسین بیگ والی شهر تضمین می گیرند، در سال 1827 میلادي ، حسین بیگ الجزیره با دسته مگس پران خود ضربه ای به صورت فرانس دوال فونسل فرانسه که فرد بی تعهدی بود می زند ، زیرا دوال از بازپرداخت این قرض که نزدیک به 30 سال از زمان دریافت آن می گذشت ، خودداری کرد.

پس از این واقعه فونسل و کلیه اتباع فرانسه الجزیره را ترک می کنند، وزیر خارجه فرانسه ویل خواستار عذرخواهی حسین بیگ می شود ، اما حسین پاسخی به درخواست وي نمی دهد، این اختلاف کماکان باقی بود تا این که شارل دهم پادشاه فرانسه ، پرنس ژول دوپولینیک يك سلطنت طلب افراطي را به مقام صدراعظمی منصوب می کند، انتخاب وي که بدون اطلاع اعضای مجلس صورت می گیرد موجب خشم افکار عمومی می شود، شارل دهم که می خواست اعتبار خود را بازیابد ، در يك سخنرانی در 3 مارچ 1830 میلادی طرح حمله برای تنبیه نایب الحکومه الجزیره را طرح کرد، کنت لویی دوپورمون وزیر جنگ به فرماندهی قوای نظامی اعزامی به افریقا منصوب می گردد، کشتی جنگی فرانسه در روز 25 می سال 1830 میلادی از بندر تولون به سوي الجزیره به راه می افتد، این کشتی شامل 453 فروند کشتی 27000 کشتی حمله و 37000 سرباز بود، کشتی جنگی فرانسه پس از رسیدن به شهر الجزیره ابتدا استحکامات این شهر بندری را با توپ های خود بمباران می کنند، سپس سربازان فرانسوي در روز 14 جون سال 1830 میلادی در ساحل سیدی فروش پیاده می شوند، پس از حدود 20 روز نبرد سنگین سرانجام بیگ الجزیره در 5 جولای سال 1830 میلادی تسلیم می شود، فرانسوي ها ثروت وي که حدود 48 میلیون فرانک بود را برای تأمین مصرف این جنگ مصادره می کنند و سربازان فرانسوي دست به غارت شهر می زنند، اما این اقدام فرانسوي ها با مبارزات مسلحانه مردم الجزایر روبرو شد، از این رو در همین سال جنرال دوگل به ناچار به الجزایر حرق خود مختاری داخلی داد چنانچه اشغال الجزیره سودی برای شارل دهم نداشت و او چند هفته بعد در پی شورش های مردمی از سلطنت خلع می شود، به این ترتیب پیاده شدن نیروهای فرانسوي در روز 14 جون سال 1830 میلادي در خاک الجزایر منجر به اشغال کامل این سرزمین در چند سال بعد می شود و جنگ های خونینی میان نیروهای فرانسوي و مبارزان الجزایری در می گیرد تا سرانجام الجزایر در سال 1962 میلادي به استقلال می رسد.

2 - در گذشت نویسنده ادبیات امریکایی لاتین:- بتاريخ 14 جون سال 1986 میلادي : خورخه لوئیس بورخس نویسنده ادبیات امریکایی لاتین در گذشت، او متولد آرژانتین بود و دوران نوجوانی را با مطالعه آثار نویسندگانی چون ادگار آلن پو، چارلز دیکنز و سروانتس سپری کرد، بورخس در پایان تحصیلات عالی، نویسندگی را به طور جدی شروع کرد و از طنز پردازان مشهور گردید، او به سبب نابینایی موفق به نوشتن رمانهایش شد و اکثر آثار به جای مانده از وي به صورت شعر و نظم هستند، گرایش او به نویسندگان فراموش شده و علاقه اش به طنز موجب گشت تا آثاری جامع و شگفت انگیز را خلق کند، کتب هزارتوها، سرخ و آبی؛ و مرگ پرگار از آثار بورخس می باشند که به زبان فارسی هم برگردانده شده اند.

روز شمار، پانزدهم جون

=====

1 - تصویب پیمان حقوق نجبای انگلیس :- بتاريخ 15 جون سال 1215 ميلادي نجباي انگليس جان پادشاه اين کشور را مجبور کردند تا پيماني که بعدها به نام گران چارت شناخته شد را تصویب کند، امضای این پیمان توسط جان که در آن هنگام 49 ساله بود در چمنزار رانیم، نزدیک ویندسور صورت گرفت، براساس این پیمان پادشاه انگلیس موظف شد حقوق و سنت های فئودالی نجبای انگلیس را رعایت نماید، جان پادشاه انگلیس به دلیل این که هنگام تولد برخلاف دیگر برادرانش قلمروي به وي تعلق نگرفت به جان بدون زمین ملقب بود، وي پادشاهی خشن مکار و بي اخلاق بود و موفق شد نفرت نجبا، مقامات کلیسا، طبقه متوسط و دهقان ها را نسبت به خود برانگیزد، در پی مشاجره جان با اسقف کانترבורي، پاپ اینوسان سوم جان را خارج از دین اعلام کرد، پاپ حتی وي را شایسته سلطنت انگلستان ندانست و فیلیپ اوگوست پادشاه فرانسه را به عنوان شاه انگلستان معرفی کرد، فیلیپ اوگوست در پی این فرمان پاپ خود را آماده تسخیر انگلستان نمود، جان که از این خطر بیمناک شد در سال 1213 میلادی اطاعت خود از پاپ را اعلام کرد، جان پس از اعلام عبودیت خود نسبت به پاپ و بخشوده شدن از جانب وي با شاه المان و کنت فلاندر علیه پادشاه فرانسه متحد شد، اما وي و متحدینش در جنگ با پادشاه فرانسه متحمل شکست سنگینی شدند، انگلستان در زمان وي به فقر و فاقه دچار شد، در این شرایط تحقیرآمیز که سلطنت جان به خطر افتاده بود وي ناگزیر گردید به خواسته های نجبای بزرگ انگلستان گردن نهد، براساس پیمان گران چارت، جان بدون جلب موافقت شوراي عالی متشکل از بارون ها و مقامات کلیسا حق تعیین مالیات های فوق العاده و افزایش مالیات ها را از دست داد، در عین حال، وي از دستگیر و محبوس کردن خودسرانه افراد منع گردید، يك هیات 25 نفره شامل 24، نجبا (اشراف زده) و شاروالهای لندن مأمور نظارت بر رعایت مفاد گران چارت که دارای 63 ماده بود، توسط جان شدند، نسخه اصلی گران چارت که اساس نهادهای انگلیس به شمار مي آید، هم اکنون در موزه بریتانیا قرار دارد، در دوران سلطنت جان شورش های عمومی بسیاری علیه وي برپا شدند و اغلب دوره سلطنت وي در جنگ های داخلی سپری گردید، دوره پراشوب سلطنت وي موجب به وجود آمدن اسطوره های مشهوری مانند رابین هود و آیوانهو شد، به این ترتیب با تصویب گران چارت در روز 15 جون سال 1215 میلادی نخستین محدودیت در سلطنت استبدادی ایجاد شده و اولین گام در راه دموکراسی امروزی برداشته شد.

2 - در گذشت آندره ماری آمپر :- بتاريخ 15 جون سال 1836 ميلادي : آندره ماري آمپر ریاضیدان و فیزیکدان فرانسوی پس از 61 سال زندگی درگذشت، او عمر خویش را صرف تحقیق و مطالعه علمی کرد و در نهایت موفق به کشف رابطه میان برق و مغناطیس شد، قابل توجه است که واجد شدت جریان برق به نام او آمپر نامگذاری شده است.

3 - انتخاب برلین بحیث پایتخت المان :- بتاريخ 15 جون سال 1848 ميلادي : برلین شهر تاریخی المان از سوی بیسمارک صدراعظم این کشور به حیث پایتخت انتخاب شد، انتخاب برلین به عنوان مرکز امپراتوری المان بعد از انجام طرح اتحاد نواحی مختلف المان صورت گرفت که طراح اصلی آن بیسمارک بود بعد از جنگ جهانی دوم برلین به دو بخش غربی و شرقی تقسیم شد، بخش شرقی آن پایتخت المان شرقی و قسمت غربی آن یکی از ایالات مهم المان غربی گردید، اما در سپتامبر سال 1990 میلادی به دنبال سقوط دیوار برلین زمینه های وحدت دو المان فراهم شد و هر دو بخش برلین به صورت يك مرکز واحد، در المان متحد درآمد.

روز شمار، شانزدهم جون

=====

1 - حملات به سازمانهای امداد رسانی :- بتاريخ 26 جوزا سال 1381 خورشیدی (16 جون 2002) میلادی: اخضر ابراهیمی، نماینده سازمان ملل متحد در امور افغانستان، در نامه به حامد کرزی نگرانی خود را از افزایش حملات به سازمان های امدادی بین المللی در شمال افغانستان اعلام کرد، وی همچنان از دو تن از قوماندانان عمده خواسته است تا در جهت خاتمه دادن به آنچه که میزان خطرناک خشونت، بی قانونی و ارباب در شمال کشور خوانده است، سریعاً اقدام کنند، سازمان ملل متحد نگرانی جدی خود را در مورد چندین مورد خشونت و بی قانونی به جنرال دوستم و عطا محمد رسانده است.

2 - کمک مواد فرهنگی ایران به افغانستان :- بتاريخ 26 جوزا 1382 خورشیدی برا بر با 16 جون 2003 میلادی :ایران 14 هزار جلد کتاب و ده دستگاه کامپیوتر با تجهیزات آن را به مسئولان پوهنتون و کتابخانه عامه کابل اهدا نمود.

3 - نخستین زن فضانورد به فضا رفت :- بتاريخ 16 جون سال 1963 میلادي : « والنیتینا تروشکوا» 26 ساله، تبعه اتحاد جماهیر شوروی نخستین زنی بود که به فضا سفر کرد 2 سال پیش از این تاریخ، یوری گاگارین هموطن وي نخستین انسانی بود که با سفینه وستوک به فضا رفته بود « والنیتینا تروشکوا» در این سفر 48 بار دور کره زمین را پیمود، پرواز وي به فضا 70 ساعت و 41 دقیقه طول کشید و او در این مدت 48 بار کره زمین را دور زد و مسافتی معادل 2 میلیون کیلومتر را پیمود، این تنها سفر این فضانورد زن شوروی به فضا بود، پس از وي تا سال 1982 دیگر هیچ زن فضانوردي به فضا نرفت، تا این که در این سال « سووتلانا ویتسکایا» فضانورد زن شوروی به يك سفر فضایی رفت، « والنیتینا تروشکوا» پس از این که حدود 3 شبانه روز را در ماورای جو کره زمین سپری کرد، روز 19 جون 1963 به زمین بازگشت، وي پس از این که سفینه اش وارد جو شد و به زمین نزدیک گردید، در فاصله 7000 متری سطح زمین با چتر نجات بر فراز التایی از سفینه اش بیرون پرید و در منطقه کارگاندا در قزاقستان امروزی فرود آمد « والنیتینا تروشکوا» به گمان بیشترتا اکنون در قید حیات است و اکنون 68 سال دارد، به این ترتیب در روز 16 جون سال 1963 میلادي، والنیتینا تروشکوا نخستین زنی بود که فضا را فتح کرد و نام خود را در تاریخ جاودان نمود.

روز شمار، هفدهم جون

=====

1 - اولین قیام کارگری در برلین شرقی :- بتاريخ 17 جون سال 1953 میلادي کارگران المان شرقی در اعتراض به افزایش سهمیه کار بدون اضافه شدن دستمزدها دست به شورش زدند، شرایط جدید کار در کارخانه ها توسط رژیم استالینی « والتر اولبرایخت» که پس از سرنگونی رژیم نازی در نواحی تحت اشغال شوروی ایجاد شده بود، به کارگران تحمیل گردیده بود، این شورش کارگری چند ماه پس از مرگ استالین رخ داد، در فردای این قیام کارگری دامنه آن در تمام شهرهای جمهوری دموکراتیک المان (المان شرقی قبلی) گسترش یافت، در برلین شرقی بیش از 60000 تظاهر کننده به نهادهای حکومت حمله کردند، « والتر اولبرایخت» ناگزیر شد به نیروهای اتحاد جماهیر شوروی متوسل شود و این قیام کارگری به خاک و خون کشیده شد، دستکم صدها نفر فقط در شهر برلین شرقی کشته شدند و بیش از 25 هزار نفر دستگیر گردیدند، این قیام با بي تفاوتی غربی ها مواجه شد،

بر اساس دوسیه هایی که پس از اتحاد دو آلمان از آرشیف های « استازی » پلیس مخفی آلمان شرقی به دست آمد ، این قیام در 700 شهر و دهات آلمان شرقی گسترش یافته بود، در تمام این مناطق مردم به اداره های دولتی ، حمله کرده و بسیاری از آنها را به آتش کشیدند، تظاهرکنندگان خواستار سقوط رژیم ، و خروج سربازان شوروی و اتحاد دو آلمان شده بودند، با این که این قیام سرکوب شد ، اما نخستین قیام عمومی به شمار می آید، به این ترتیب قیام کارگران برلین شرقی در روز 17 جون سال 1953 میلادی سرآغازی برای فروپاشی دیوار برلین در 9 نومبر سال 1989 و اتحاد مجدد آلمان در 3 اکتبر سال 1990 میلادی بود.

2 - کنفرانس پوتسدام آلمان :- بتاريخ 17 جون سال 1945 میلادی : سران کشورهای انگلیس ، امریکا و شوروی سابق کنفرانس پوتسدام را در شهری به همین نام در آلمان تشکیل دادند، در این کنفرانس وزیران خارجه این کشورها معاهده پوتسدام را منعقد کردند که در آن اختیاراتی به شورای نظارت متفقین و فرماندهی نظامی سه کشور شرکت کننده در کنفرانس و همچنین فرانسه واگذار شد، بر طبق این اختیارات هر يك از این کشورها موظف به اداره امور مناطق تحت اشغال خود در آلمان بودند ؛ هم چنین لغو قدرت سیاسی و نظامی آلمان ؛ کنترل نظارت بر اقتصاد و تولید آلمان از دیگر موارد این موافقت نامه بود، سرانجام اختلافات میان شوروی سابق و دول غربی مانع از اجرای کامل موافقت نامه پوتسدام گردید .

3 - پیروزی حزب بعث :- بتاريخ 17 جون سال 1968 میلادی :حزب بعث عراق به رهبری احمد حسن البکر قدرت را در این کشور بدست گرفت و عبد الرحمن عارف رئیس جمهور عراق از کار برکنار شد، در پی روی کار آمدن حزب بعث ، تصفیه های خونین مخالفان آغاز شد و گردهای مخالف این حزب ، مورد تهاجم رژیم بعث واقع شدند، حزب بعث که قدرت حاکمه مطلق در عراق بشمار می رفت ، جنگ گسترده 8 ساله را به جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرد.

روز شمار، هجدهم جون

=====

1 - افسانه ناپلئون در واترلو پایان یافت :- بتاريخ 18 جون سال 1815 میلادی ، قوای نظامی فرانسه به فرماندهی ناپلئون بناپارت امپراطور فرانسه از قوای نظامی مشترک انگلیس و پروس به فرماندهی جنرال « ولینگتن » و مارشال « بلوخر » در واترلو در چند کیلومتری جنوب بروکسل شکست خورد ، ناپلئون که حدود يك سال پیش از این تاریخ پس از شکست از قوای مشترک انگلستان ، روسیه و پروس از امپراطوری فرانسه خلع شده و به جزیره الب تبعید شده بود ، از جزیره الب فرار کرده و در روز 20 مارچ سال 1815 میلادی به کاخ توپیلری در پاریس بازمی گردد، لویی هجدهم که به پادشاهی فرانسه رسیده بود با ورود ناپلئون به پاریس فرار می کند، در آن هنگام نیروهای متحد علیه ناپلئون در حال به توافق رسیدن در مورد شرایط صلح با فرانسه بودند و پس از اطلاع از بازگشت ناپلئون حکومت وی را غیرقانونی اعلام کردند، ناپلئون با عجله يك قوای نظامی 100000 نفری از سربازان سابق خود را تشکیل می دهد و تصمیم می گیرد در بلجیم به نیروهای انگلیس و پروس قبل از این که روسها و اطریشی ها به آنها بپیوندند ، حمله کند ناپلئون قوای نظامی پروس به فرماندهی مارشال « بلوخر » را در لینی منطقه ای میان شهرهای شارل روا و نامور شکست می دهد، وی به جنرال فرانسوی گروشنی دستور می دهد به تعقیب بازمانده قوای نظامی بلوخر ادامه دهد، ناپلئون در فردای آن روز به قوای انگلیس به فرماندهی جنرال ولینگتن که در فلات مون سن ژان نزدیک واترلو مواضع مستحکمی را در اختیار داشتند ، حمله می کند، اما به علت بارندگی شب قبل میدان نبرد بسیار گل آلود بود و جلو راندن توپ ها بسیار دشوار بود، به همین دلیل ناپلئون نتوانست در مواضع دفاعی انگلیسی ها رخنه کند، در پایان روز ، ناگهان قوای مارشال بلوخر از پشت سر به نیروهای فرانسوی حمله کرده و آنها را غافلگیر می کنند، با از هم فروپاشیدن نیروهای فرانسوی ، ناپلئون تحت حمایت گارد امپراطوری میدان جنگ را ترک می کند و به پاریس بازمی گردد، در این هنگام ناپلئون متوجه می شود که همه چیز پایان یافته است.

مدتی بعد وی خود را تسلیم انگلیسی ها می کند، انگلیسی این بار ناپلئون را به جزیره دوردست و بد آب و هوای سنت هلن تبعید می کنند، ناپلئون چند سال بعد در جزیره سنت هلن بر اثر يك بیماری درگذشت، به این ترتیب ، در روز 18 جون سال 1815 میلادی ناپلئون در واترلو شکست خورد و افسانه ناپلئون بناپارت فاتح بزرگ اروپا به پایان رسید.

2 - تولد رابرت هوک فیزیکدان و صنعتگر انگلیس :- بتاريخ 18 جون سال 1635 میلادی : رابرت هوک فیزیکدان و صنعتگر انگلیس در دهکده ای در جنوب انگلیس متولد شد، پدرش کشیش بود و آنان روزگار را به سختی می گذراندند، اما بعد از مدتی هوک با اختراع پمپ باد به شرایط مناسبتری دست یافت، پاندول ساعت؛ از دیگر اختراعات هوک می باشند، وی همچنین چند کتاب در زمینه علم فیزیک نوشت که مورد استفاده علمای بعد از خودش قرار گرفتند.

3 - کاشف کهکشان :- بتاريخ 18 جون سال 1783 میلادی : ویلیام هرشل منجم بزرگ انگلیسی موفق به کشف حقیقت کهکشان شد، او در چنین روزی با دوربین رصدی که خود ساخته بود ثابت کرد که کهکشان راه شیری مرکب از ستارگان بسیار کوچکی است که منظومه شمسی هم جزئی کوچک از آن محسوب می شود.

4 - کشته شدن تو ماس ادوارد لاس :- بتاريخ 18 جون سال 1935 میلادی : توماس ادوارد لارنس معروف به لارنس عربستان سیاستمدار و نویسنده انگلیسی در جریان يك حادثه رانندگی جان خود را از دست داد، او به امور باستانشناسی موزه بریتانیا در خاورمیانه به کار اکتشاف پرداخت و در همین مدت با زبان عربی و آداب و رسوم عربها آشنایی یافت، او در براندازی نفوذ سیاست امپراتوری عثمانی در کشورهای عربی و بهره بری از آن به نفع دولت بریتانیا سهم بزرگی داشت .

روز شمار، نهمم جون

=====

1- پیروزی انقلاب نیکاراگوآ :- بتاريخ 19 جون سال 1979 میلادی : انقلاب نیکاراگوآ، پس از يك دوره مبارزه قهر آمیز با دولت دست نشانده آن کشور به پیروزی رسیده با روی کار آمدن مجدد سوموزا، شخص سر سپرده امریکا در نیکاراگوآ، در سال 1947 میلادی اعتراضات سراسری در آغاز شد و چریک های مبارز ساندینیست ها بر مبارزات مسلحانه خود شدت بخشیدند، از آن پس شهرها توسط ساندینیست ها، و با حمایت بی دریغ مردم از نیروهای دولتی ، باز پس گرفته شد؛ و در نهایت انقلاب نیکاراگوآ پیروزی را بدست آورد؛ قابل توجه است که طی انقلاب نیکاراگوآ حدود چهل هزار تن کشته و بیش از دوصدهزار نفر بی خانمان شدند.

2 - شکست قوای چینی در جنگ تریاک: - بتاريخ 19 جون سال 1841 ميلادي: نيروهاي چيني در جنگ تریاک از قوای انگلیس شکست خوردند، با این شکست راه برای نفوذ و سلطه انگلیس بر سرزمینهای شرقی هموار گشت دوران استعمار بر اراضی پهنای چین آغاز شد، اما این دوران شروع مبارزات مردم چین علیه دولت انگلیس را در پی گرفت ، بطوریکه مردم این کشور پهنای تحریم تریاک سالها در مقابل استعمارگران انگلیسی ایستادگی کردند، بعدها به موجب معاهده ای که استعمارگران بر چینی ها تحمیل کردند آنان مجبور شدند پنج بند مهم خود را برای تجارت تریاک به انگلیسی ها واگذار نمایند، انعقاد این پیمان در حقیقت نفوذ دوباره استعمار را بر این سرزمین وسیع مسجل ساخت .

روز شمار ، بیستم جون

=====

1 - ویکتوریا ملکه انگلستان شد : - بتاريخ 20 جون سال 1837 ميلادي ویکتوریا به تخت سلطنت بریتانیا نشست، ویکتوریا در پی مرگ کاکاپش ویلیام چهارم که دارای فرزندی نبود ، به عنوان جانشین بلافصل وی در سن 18 سالگی ملکه انگلستان شد، دوران سلطنت ویکتوریا طولانی ترین دوران سلطنت در تاریخ محسوب می شود، ویکتوریا در روز 28 جون سال 1838 ميلادي در کلیسای وست مینستر رسماً تاجگذاری کرد، وی در 24 می سال 1819 ميلادي در کاخ کنزینگتون لندن متولد شد، نام نوزاد را الکساندرینا ویکتوریا هانور نهادند، وی تنها فرزند ادوارد دوک کنت و پرنسس ماریا لوییزا دوساکس - کوبورگ بود، ملکه ویکتوریا در روز 10 فیروزی سال 1840 ميلادي با پسر، دایي اش پرنس آلبرت دوساکس - کوبورگ - گوتا ازدواج کرد، زوج سلطنتی صاحب نه فرزند به اسمی ویکتوریا ، ادوارد ، آلیس ، آلفرد ، هلنا ، لوییز ، آرتور ، لنوید و بیاتریس شدند، 21 سال پس از ازدواج آنها پرنس آلبرت در سن 42 سالگی در 14 دسمبر سال 1861 ميلادي بر اثر ابتلا به بیماری تیفوئید در گذشت، ویکتوریا در پی مرگ شوهر مدت 10 سال کنج انزوا را برگزید و به ندرت از کاخ خود خارج می شد، وی بیش از چهل سال پس از مرگ شوهرش همواره سوگوار بود و لباس سیاه را از تن درنیآورد، در دوران سلطنت ویکتوریا ، انگلستان به ابرقدرت دنیا تبدیل شد و دامنه متصرفات خود را در افریقا و آسیا گسترش داد، هند در دوره ویکتوریا به اشغال کامل انگلستان درآمد و ویکتوریا لقب امپراتوری هند را یافت، دوره سلطنت 64 ساله ویکتوریا به اندازه ای طولانی و توأم با تحولات بود که این دوره از تاریخ جهان به عصر ویکتوریا شهرت یافت، اغلب فرزندان ویکتوریا، با خاندان های سلطنتی اروپا ازدواج کردند و به همین دلیل خاندان های بزرگ سلطنتی اروپا با خاندان سلطنتی انگلستان پیوند خونی داشتند، ملکه ویکتوریا در 22 جنوری 1901 ميلادي در سن 82 سالگی در خانه خود اوزبورن در جزیره وایت انگلیس به مرگ طبیعی درگذشت، به این ترتیب ویکتوریا که در روز 20 جون سال 1837 ميلادي ملکه انگلستان شد ، پس از 64 سال سلطنت که طولانی ترین دوره سلطنت در تاریخ محسوب می شود ، چشم از جهان فروبست و عصر ویکتوریا به پایان رسید.

2 - قیام مکرایی علیه فرانسویان ناکام شد: - 20 جون سال 1872 ميلادي: قیام محمد مکرایی برضد فرانسویان اشغالگر الجزایر به سختی سرکوب شد، الجزایر در پنجم جون سال 1830 ميلادي تحت سلطه فرانسه قرار گرفت، از آن هنگام به بعد الجزایری ها با همکاری و رهبری عبدالقادر اقدام به مقاومت مسلحانه کردند اما از آنجا که رهبران نظامی فرانسه از قدرت استعماری بسیاری برخوردار بودند و در امور داخلی نیز اختیار تام داشتند هرگونه مقاومت و قیام را سرکوب می کردند، محمد مکرایی رهبر قیام خونین 1872 میلادی الجزایر رئیس یکی از قبایل این کشور بود که با متحد ساختن صدها هزار تن از قبایل مختلف ساکن الجزایر به مبارزه علیه فرانسوی ها برخاست ولی با افزایش نیروهای استعماری بیگانه در این کشور محمد مکرایی و یارانش با شدت عمل فرانسوی ها روبرو شدند و همین امر منجر به شکست این قیام گردید.

3- سفر تیم بین المللی جاده ابریشم : - بتاريخ 20 جون سال 1990 ميلادي: سفر يك ماهه تیم بین المللی جاده ابریشم آغاز شده بود، خاتمه یافت، این گروه از یکصد و بیست تن از کشورهای مختلف جهان بود و سفر زمینی خود را پس از تصویب برگزاری سیمیناری از سوی سازمان یونسکو در سال 1987 ميلادي از چین آغاز کردند، جاده ابریشم از دیر باز علاوه بر نقش عظیم تجاری و اقتصادی خود راهی برای تبادل امور فرهنگی و انتقال علوم، بین الملل آسیا و اروپا برده است، همچنین از طریق شاخه اصلی و شعبات فرعی جاده ابریشم فرهنگ، افکار هنر ها ادیان و جلهای مختلف تمدن میان ملتها و اقوام مبادله می شده است، هدف از برگزاری این سیمینار بررسی و تبادل نظر فکری جلب همکاریهای بین المللی در آینده ای نزدیک بود.

روز شمار ، بیست و یکم جون

=====

1 - هانیبال سردار کارتاژ ارتش روم را در هم شکست: - بتاريخ 21 جون سال 217 قبل از میلادی هانیبال سردار کارتاژ قوای نظامی روم را در ساحل دریاچه تراسیمین ، در اتروزی (ایتالیای مرکزی امروزی) در هم شکست، در تاریخ نظامی جهان ، حمله هانیبال به قلب قلمرو روم جزو شاهکارهای نظامی محسوب می شود، روم و کارتاژ دو شهر بزرگ مدیترانه باستان بیش از يك قرن با یکدیگر می جنگیدند، جنگ های روم و کارتاژ به جنگ های پونیک موسوم شده است، شهر کارتاژ توسط فنیقی ها اضمحلال کارتاژ خاتمه یافت، سلسله جنگ های روم و کارتاژ به جنگ های پونیک موسوم شده است، شهر کارتاژ توسط فنیقی ها در نزدیکی شهر تونس امروزی بنیان نهاده شده بود، شهر روم نیز با گسترش قلمرو خود به يك قدرت جهانی تبدیل گردیده بود و در آن دوره با سیستم جمهوری (قونسلی) و يك مجلس سنا اداره می شد، کارتاژ يك قدرت دریایی آن زمان بود و روم بیشتر در جنگ های زمینی قدرتمند بود، جنگ های پونیک به سه جنگ به نام های جنگ اول پونیک از 264 تا 241 قبل از میلاد ، جنگ دوم پونیک از 219 تا 202 قبل از میلاد و جنگ سوم پونیک از 149 تا 146 قبل از میلاد تقسیم می شوند، هانیبال چهره شاخص جنگ دوم پونیک بود، در سال 219 قبل از میلاد ، هانیبال که 27 سال داشت و پسر هامیلکار سردار بزرگ کارتاژ بود ، به سمت فرمانده کل قوای نظامی کارتاژ منصوب می شود، وی به شهر ساگونت در هسپانیا که متحد روم بود حمله کرد و این بهانه ای برای آغاز جنگ دوم پونیک بود، هانیبال پس از این حمله به قصد تنبیه روم راهی طولانی که از سرزمین گل (فرانسه امروزی) می گذشت را آغاز می کند، وی از بی طرفی قبایل گل استفاده کرده و تا رود رن پیشروی می کند اما برای غافلگیر کردن رومی ها ناگزیر می شود از شهر ماری که متحد رومی ها بود دوری گزیند، هانیبال این طراح بزرگ نظامی از نواحی کم ارتفاع ساحلی دور شده و راه کوه های مرتفع و گردنه های خطرناک و برفگیر آلپ را در پیش می گیرد، قوای نظامی هانیبال شامل 50000 سرباز پیاده ، 9000 سوار و 218 راس فیل بود، گذر این قوا نظامی به ویژه با وجود فیل ها از گردنه ها و کوره راه های کوهستان آلپ يك اقدام ماجراجویانه و حماسی محسوب می شود، هانیبال پس از گذر از کوه های آلپ وارد خاک روم می شود و در دو نوبت قوای نظامی

رومی که انتظار حمله وی را از این مسیر نداشتند در تسین و تره بی شکست می دهد، آنگاه در روز 21 جون سال 217 قبل از میلاد، فلامینیوس قونسل روم در دامی که هانیبال در کناره های دریاچه تراسیم برای وی گسترده بود می افتد، در این نبرد 15000 لژیونر قوای نظامی روم کشته می شوند و حدود 15000 لژیونر دیگر اسیر نیروهای هانیبال می گردند، به این ترتیب در روز 21 جون سال 217 قبل از میلاد لژیونرهای شکست ناپذیر قوای نظامی روم توسط هانیبال سردار بزرگ کارتاژ در هم شکسته می شوند.

روز شمار، بیست و دوم جون

=====

1- ژاپن دروازه دنیا را به روی خود بست :- بتاريخ 22 جون سال 1636 میلادی شوگون توکوگاوا لمیتسو خروج جاپانی ها از جزایر جاپان و ساختن کشتی را ممنوع اعلام کرد، با صدور این فرمان جاپان برای مدت بیش از دو قرن دروازه دنیا را به روی خود بست يك قرن قبل از صدور این فرمان ، تاجران اروپایی توانسته بودند به جاپان رخنه کنند، این امپراطوری افسانه ای دوردست جهان که مارکوپولو آن را سببانگو نامیده بود و کریستف کلمب آرزو داشت با کشتی هایش به سواحل آن برسد، ابتدا تاجران پرتگالی و در پی آن هالندی ها وارد مجمع الجزایر جاپان شدند، با ورود آنها فنون و عقاید رنسانس غربی نیز وارد جاپان شد، جاپانی ها که تحت يك رژیم فئودالی مشابه قرون وسطای اروپا زندگی می کردند ، به سرعت این فنون و عقاید جدید را جذب کردند، بسیاری از آنها تحت تاثیر تبلیغات يك مبلغ مسیحی بنام سن فرانسوا زاویه و ژزوئیت ها تغییر مذهب داده و کاتولیک شدند. در اوایل قرن دوازدهم میلادی ، فئودال های کم و بیش مستقل مجمع الجزایر جاپان ناگزیر گردیدند مطیع فرامین توکوگاوا لیاسو فئودال و جنگ سالار قدرتمند آن دوره کشور جاپان شوند، وی لقب شوگون را برای خود برگزید که به مفهوم (سالار جنگ - جنگ سالار بزرگ) علیه بربرها بود و علاوه بر این وظایفی مشابه وزیر دربار را نیز به عهده گرفت، از آن پس ، امپراطور جاپان فقط دارای يك قدرت نمادین و يك نقش معنوی شد و قدرت اصلی در دست شوگون ها بود، تا این که نوبت به توکوگاوا لمیتسو رسید که قدرت را به عنوان شوگون در دست بگیرد، وی که بیم داشت اروپایی ها به طور مسلحانه وارد جاپان شوند یا این که مردم را به شورش های محلی تحریک کنند ، تصمیم گرفت با اجرای مقررات بسیار سختی در های کشور را به روی خارجیان ببندد، هنگامی که شوگون توکوگاوا لمیتسو قصد داشت ورود و خروج به جاپان را ممنوع کند ، کاتولیک ها ایالت ناکازاکی دست به شورش زدند، شوگون موفق شد به کمک هالندی ها این شورش را به شکل بی رحمانه ای سرکوب کند، وی سپس تمام خارجی ها را از جاپان اخراج کرد و فقط به چند نفر هالندی اجازه داد در بنادر جاپان باقی بمانند.

به این ترتیب با فرمان شوگون توکوگاوا لمیتسو در روز 22 جون سال 1636 میلادی جاپان دروازه دنیا را برای مدت بیش از دو قرن به روی خود بست، قدرت شوگون ها تا سال 1867 میلادی ادامه داشت تا این که در این سال امپراطور میجی از ضعف شوگون وقت استفاده کرد و برای همیشه آنها را از صحنه تاریخ جاپان بیرون راند و جاپان بار دیگر دروازه دنیا را به روی خود گشود.

2 - گالیله از عقاید خود انکار کرد :- بتاريخ 22 جون سال 1633 میلادی : گالیلئو گالیله منجم ، ریاضیدان و فیزیکدان ایتالیایی در قرن هفدهم میلادی به اجبار در برابر مقامات کلیسا عقاید خود را انکار کرد، او در سال 1632 میلادی درباره عقاید بطلمیوس و کپرنیک در مورد حرکات منظومه شمسی کتابی به رشته تحریر درآورد و در آن اعلام کرد که زمین به دور خورشید می گردد، اما سال بعد پاپ او را به روم احضار کرد و اظهاراتش را کفرآمیز خواند، بدین ترتیب دستگاه کلیسا او را وادار نمود که عقاید علمی خویش را انکار کند، اما در تاریخ آمده است که گالیله به هنگام خروج از آن جلسه با انگشتان خود روی زمین نوشت ” با این همه زمین حرکت می کند.“

3 - اختراع ماشین تخلیه :- بتاريخ 22 جون سال 1650 میلادی : اتودوگریک صنعتگر المانی موفق شد ماشین تخلیه هوا را اختراع کند، وی از جمله صنعتگرانی بود که اختراعش به عنوان بزرگترین اختراع قرن هیجدهم میلادی قلمداد شد و تحول عظیمی در علم و صنعت آن زمان جهان ، بوجود آورد از ماشین تخلیه هوا در صنایع سنگین و امور الکتریسیته استفاده فراوان می شود، اتودوگریک از اهالی شهر ماگدبورگ المان بود .

روز شمار، بیست و سوم جون

=====

1 - فعالیت تیتو در یوگوسلاویا :- بتاريخ 23 جون سال 1941 میلادی : نهضت آزادی ملی یوگسلاوی سابق به رهبری مارشال تیتو فعالیت خود را آغاز نمود، این نهضت با مبارزه چریکهای آن کشور برضد سربازان و دولت المان نازی که کشورشان را اشغال کرده بودند، سازمان یافت ، چریکهای وابسته به نهضت ملی طی جنگهای پی در پی و خونین به دفاع از کشورشان پرداختند، مبارزات میان چریکهای یوگسلاوی سابق و سربازان اشغالگر المان نازی تا سال 1945 میلادی که منجر به شکست المان در جنگ جهانی دوم شده ادامه داشت .

2 - جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر شد :- بتاريخ 23 جون سال 1956 میلادی در يك همه پرسی عمومی ، جمال عبدالناصر با کسب 99/84 درصد آرای مثبت مردم در سن 37 سالگی رئیس جمهور مصر شد، البته از هنگام کنار گذاشتن جنرال محمد نجیب در سال 1954 میلادی ، جمال عبدالناصر رهبر انقلاب مصر شده بود، وی از همان آغاز به قدرت رسیدن هم در زمینه داخلی و هم بین المللی دست به اصلاحات بزرگی زد، ناصر اراضی زمین داران بزرگ را بین دهقانان بی زمین تقسیم کرد، بانک ها ، شرکت های بیمه و شرکت های واردات و صادرات موسسات خارجی را ملی کرد، ملی کردن این بخش ها موجب ایجاد يك میلیون شغل در مصر شد، وی سپس به مبارزه با بیسوادی پرداخت و رفتن کودکان به مدارس را اجباری کرد.

در صحنه بین المللی ، ناصر در سال 1955 میلادی سیاست « بی طرفی مثبت» در مقابل بلوک شرق و غرب را مطرح کرد که این سیاست در اپریل سال 1955 میلادی در کنفرانس باندونگ تأیید شد و اساس تشکیل جنبش غیرمتعهدها را موجب گردید، این سیاست باعث شد تا جمال عبدالناصر به سرعت به رهبر محبوب القلوب و آرمانی جهان عرب تبدیل شود، در ماجرای کانال سوئز ، ناصر به اوج محبوبیت رسید، در جون سال 1956 میلادی امریکا از اجرای تعهد خود برای تأمین مالی مصرف احداث سد اسوان سرباز زد، ناصر برای تأمین مصرف سد اسوان ناگزیر کانال سوئز را ملی اعلام کرد، این تصمیم موجب خشم انگلستان و فرانسه مالکان کمپانی کانال سوئز شد و این دو کشور به اتفاق اسرائیل به مصر حمله کردند، اما تحت فشار امریکا و شوروی حمله آنها با شکست مواجه شد و نیروهای این سه کشور به سرعت خاک مصر را ترک کردند، این مساله موجب گردید تا ناصر قهرمان

ملی جهان عرب شود، از این دوره به بعد مصر اندک اندک به اتحاد شوروی نزدیک شد و این کشور کارشناسان و مشاوران خود را به مصر اعزام کرد، عملیات احداث سد اسوان در سال 1960 میلادی آغاز و در سال 1964 میلادی خاتمه پذیرفت، با احداث سد فرعونی اسوان، دهقانان مصر برای همیشه از طغیان های رود نیل نجات یافتند، جمال عبدالناصر در سال 1958 میلادی طرح وحدت اعراب را پیش کشید و در همان سال دو کشور مصر و سوریه متحد شده و جمهوری متحده عربی را ایجاد کردند، اما مدتی بعد به دلیل بوروکراسی شدید مصر، سوریه ها از این اتحادیه خارج شده و جمهوری متحده عربی منحل شد.

در جون سال 1967 میلادی، اسرائیل دست به حمله غافلگیرانه ای به سه کشور مصر، سوریه و اردن زد که این جنگ به جنگ شش روزه معروف شد، در این جنگ اسرائیل ارتفاعات جولان، صحرای سینا، کرانه غربی رود اردن و بخش شرقی بیت المقدس را اشغال کرد، جمال عبدالناصر، پس از این واقعه استعفاي خود را اعلام کرد، اما میلیون ها مصری به خیابان های قاهره ریختند و با استعفاي وی مخالفت کردند، حتی این شکست هم محبوبیت ناصر را کاهش نداد، ناصر از آن پس دست به يك جنگ فرسایشی با اسرائیل زد و آرامش اسرائیل را سلب کرد، در سال 1970 میلادی، ناصر با میانجی گری به اختلافات ملک حسین پادشاه اردن و فقید یاسر عرفات رهبر سازمان الفتح فلسطین پایان داد، جمال عبدالناصر که جهان عرب به وی لقب رئیس را داده بود، در 28 سپتمبر سال 1970 میلادی بر اثر سکته قلبی درگذشت، میلیون ها عرب در پی درگذشت ناصر دست به سوگواری زدند، به این ترتیب جمال عبدالناصر که در روز 23 جون سال 1956 میلادی به مقام ریاست جمهوری مصر رسید، در طول دوران قدرت خود مصر را به عنوان مهمترین کشور جهان عرب تبدیل کرد و نقش مصر را در صحنه بین المللی تثبیت نمود، حتی پس از مرگ جمال عبدالناصر، اسطوره وی تا به امروز ادامه دارد...

روز شمار، بیست و چهارم جون

=====

1 - کانادا کشف شد :- بتاريخ 24 جون سال 1497 میلادی: کشتی ماتیو برای نخستین بار به ساحل کانادا رسید، وی در خدمت هنری هفتم پادشاه انگلستان بود، 5 سال پس از ورود کریستف کلمب به سواحل جزایر آنتیل و کشف قاره امریکا، حیوانی کابوتو دریانورد توانست هنری هفتم پادشاه انگلستان را قانع کند که به نوبه خود کشتی جنگی را برای اکتشافات دریایی اختصاص دهد، حیوانی کابوتو اقیانوس اطلس را طی مدت يك ماه طی کرد و به سواحل جزایر کیپ برتوتون و ترنوو (زمین تازه) در دلتای رودخانه سن لوران رسید، پس از کشف سواحل کانادا، حیوانی کابوتو مسیر بازگشت را به لطف بادهای غربی در مدت 15 روز پیمود، هنگام بازگشت به نزد هنری هفتم، وی از هنری هفتم خواست که به وی اجازه دهد تا شاید بتواند به سواحل جاپان یا چین دست یابد، اما هنری هفتم اجازه این سفر را نداد، حیوانی کابوتو از وجود خیل عظیم ماهی ها در سواحل جزیره ترنوو خبر داد، با انتشار این خبر ماهیگیران نرماندی، برتانی و به ویژه پرتگالی ها برای برخورداری از این ذخایر جدید به سرعت رهسپار این سواحل شدند، زیرا دسترسی به گله های عظیم این ماهی ها دشوارتر از گله های ماهی های دریای شمال نبود، ماهیگیران در منطقه فعالیت خود در سواحل کانادا، پایگاه های کوچکی را احداث کردند، به ویژه در ساحلی که آن را زمین لاورادو یا (یاورادو) نامیدند که در زبان پرتگالی ها به مفهوم دروگر است، پس از این که اروپایی ها متوجه شدند که با يك دنیای جدید مواجه هستند، سیاستیان پسر حیوانی کابوتو برای کشف مسیری به سوی چین از طریق شمال غرب قاره امریکا، عازم کانادا شد، اما وی در هدف خود شکست خورد، زیرا چنین مسیری وجود خارجی نداشت، با این حال این مساله موجب شد تا اکتشافات وی باعث شناخت بیشتر از شمال بزرگ کانادا شود، حیوانی کابوتو و پسرش سباستیان برای انگلستان این امکان را فراهم آوردند تا در قاره امریکا نفوذ کند، به این ترتیب حیوانی کابوتو با کشف سواحل کانادا در روز 24 جون سال 1497 میلادی عامل مستعمره شدن امریکای شمالی توسط انگلستان شد.

2 - امضای عهد نامه بیطرفی بین شوروی و افغانستان :- بتاريخ 24 جون 1931م در بین کشورهای اتحاد شوروی و افغانستان عهد نامه بی طرفی و عدم تجاوز علیه یکدیگر بامضاء رسید، در سال 1931م قانون اساسی جدید افغانستان طرح و نافذ شد که براساس آن تشکیلات دولتی به شکل شاهی مشروطه درآمد، بعد از قتل نادرشاه بتاريخ 8 نومبر 1933م محمد ظاهرشاه برسر قدرت آمده - سیاست داخلی و خارجی پدرش را ادامه داد، درین سالها در افغانستان نیرومندی سرمایه ملی تجارتی مشاهده گردیده - چند شرکت ملی بوجود آمده تجارت خارجی مملکت را بدست خود گرفتند - دولت شوروی در پیشرفت اقتصادی مملکت رول بسزائی داشت، از سال 1928 میلادی افغانستان ثلث کالاهای وارداتی خود را از اتحاد شوروی خریداری کرد، در عوض نصف کالاهای صادراتی افغانستان به اتحاد شوروی صادر میشد باکمک دولت شوروی درامام صاحب، تالقان، دولت آباد، بغلان و مزار شریف - کارخانه های هلاجی پخته ساخته شد، متخصصین شوروی در مبارزه علیه حشرات مضره زراعتی در افغانستان اشتراک وسیع داشتند.

3 - شهر ونزوئلا به تصرف « بلیوار » در آورد :- بتاريخ 24 جون سال 1821 میلادی : شهر کاراکاس پایتخت امروزی ونزوئلا طی جنگهای آزادی بخش سیمون بولیوار به تصرف او درآمد، در این جنگ يك ساعته هسپانیا کاری از پیش نبرد و بولیوار قهرمان مبارزات امریکای جنوبی موفق شد پس از این پیروزی کلمبیای بزرگ را تشکیل دهد، گفتنی است کلمبیای بزرگ شامل ونزوئلا، کلمبیا، پاناما و اکودور بود و بولیوار خود به عنوان اولین رئیس جمهور این سرزمین انتخاب شد .

4 - اختراع کوره های ذوب :- بتاريخ 24 جون سال 1843 میلادی : کوره های ذوب فلزات موسوم به کوره های بسمر اختراع شد، مخترع این کوره ها، هانری بسمر انگلیسی بود و برای اولین بار نیز در کشور انگلستان مورد استفاده قرار گرفت، این کوره ها ذوب فلزات را تسهیل می کنند و امروزه در سراسر جهان در کارخانه های ذوب فلزات مورد استفاده قرار می گیرند .

روز شمار، بیست و پنجم جون

=====

1 - کاستر قاتل سرخپوستان :- بتاريخ 25 جون سال 1876 میلادی ارگان جنگی امریکا به فرماندهی جنرال « کاستر » در « لیتل بیگ هورن » از سرخپوستان « سیو » شکست سختی خورد و همه افراد آن در این جنگ کشته شدند که این جنگ بنام جنگ « لیتل بیگ هورن » مشهور شد ،

چنانچه چند سال پیش از وقوع این جنگ دولت امریکا به سرخپوستان قول داده بود تا زمانی که « درختان رشد می کنند و آب ها جاری هستند » مراتع به سرخپوستان تعلق خواهد داشت، اما در اواخر سال های دهه 1860 میلادی و پس از پایان جنگهای انحصال امریکا ، دولت تحت فشار محافل با نفوذ سرمایه داری بخش بزرگی از سرزمین ها و مراتع سرخپوستان را به شرکت های راه آهن واگذار کرد، سرخپوستان دست به شورش زدند و جنرال های امریکایی « شرمن » و « شریدان » بی رحمانه شورش های

سرخپوستان را سرکوب کردند، اما چند سال بعد ، در سال 1875 میلادی با کشف طلا در منطقه «بلاک هیلز» در ایالت داکوتای جنوبی که متعلق به سرخپوستان «سیو» و «شایان» بود ، سیل جویندگان طلا به این منطقه سرازیر شد و درگیری هایی میان آنها و سرخپوستان درگرفت، جنرال « جورج آرمسترانگ کاستر» مامور سرکوب سرخپوستان شد، وی چند سال قبل از این در سال 1868 میلادی به دستور جنرال « شریدان » به یک اردوگاه قبیله شایان در حاشیه رودخانه « واشیتا » حمله کرده بود، جنگجویان قبیله «شایان» به دلیل فصل شکار « بوفالو*» در اردوگاه حضور نداشتند، با این حال کاستر به اردوگاه حمله کرد و بیش از 50 زن و کودک سرخپوست را بی رحمانه قتل عام کرد، پس از این واقعه ، کاستر لقب «قاتل سرخپوستان» را یافت. در سال 1875 که «کاستر» مامور سرکوب شورش سرخپوستان شد ، وی با بلندپروازی قصد داشت در انتخابات ریاست جمهوری امریکا شرکت کند به همین دلیل ، وی می خواست به هر قیمتی به یک موفقیت نظامی دست یابد، جنرال « کاستر» در راس یک بخش نظام جنگی شامل 285 سرباز و چند عراده توپ تصمیم گرفت بار دیگر یک اردوگاه سرخپوستان را نابود کند، اما این بار به آرزوی نرسید، وی در کنار رودخانه «لینل بیگ هورن» در ایالت « مونتانا» در شمال غرب امریکا در کمینگاهی که « سیتینگ بول» رئیس قبایل «سیو» برای وی تدارک دیده بود ، افتاد.

افراد نظامی « کاستر» علی رغم داشتن سلاحهای مدرن آن روزگار و توپخانه از سرخپوستان «سیو» به سختی شکست خوردند و همه آنها بدون استثنا کشته شدند، تنها موجود زنده در بخش نظامی امریکا یک اسب به نام کومانچی بود که تا پایان عمرش در سال 1891 میلادی از خدمت در سوار نظام معاف شده و مورد مراقبت قرار گرفت، البته پس از این جنگ قوای نظامی امریکا هزاران سرباز را برای جنگ با سرخپوستان «سیو» اعزام کرد و سرانجام قبایل «سیو» شکست خورده و « سیتینگ بول » به کانادا گریخت، چنانچه جنگهای نظامی امریکا با قبایل مختلف سرخپوست ادامه داشت تا این که 10 سال بعد از جنگ « لینل بیگ هورن » سرانجام با شکست «جرونیوم» رئیس قبایل « آپاچی» در ایالت « نیومکزیکو» ، این جنگ ها خاتمه یافتند.

- (* بوفالو بوغالو) یک نوع حیوانی است مانند گاو که سرخپوستان آنان را برای شکار مساعد می دیدند و شکار میکردند.

2- نخستین بردگان آزاد شده افریقایی :- بتاريخ 25 جون سال 1822 میلادی : پس از سالها استثمار امریکا بر مردم افریقا، نخستین گروه از بردگان آزاد شده امریکایی وارد وطن اصلی خود، افریقا شدند، این عده در سرزمینی که امروزه « لیبیریا» خوانده می شود مسکن گزیدند، سیاهپوستان امریکا از اوایل قرن نوزدهم میلادی نهضتی را آغاز کردند که هدفشان از برپایی آن تأسیس یک کشور برای سیاهپوستان بود، به همین جهت گروهی از سیاهان امریکا به غرب افریقا کوچ کردند، و کشور « لیبیریا» را بوجود آوردند، این کشور ابتدا مانند یکی از ایالات کشور امریکا اداره می شد، اما در سال 1847 میلادی در این سرزمین نظام جمهوری برقرار شد و نخستین رئیس جمهور آن نیز برده ای از اهالی ویرجینیا به نام «رابرتس» بود .

3- آغاز جنگ میان 2 کره :- بتاريخ 25 جون سال 1950 میلادی : کره شمالی از مدار 28 درجه، مرز میان 2 کره جنوبی حمله کرد و بدین ترتیب جنگ میان 2 کره آغاز گردید، با شروع جنگ، امریکا و 15 کشور دیگر نیروهای نظامی خود را به منظور مقابله با کره شمالی و دفاع از کره جنوبی به منطقه اعزام داشتند، اندکی بعد با دخالت نیروهای سازمان ملل متحد و دفاع از کره جنوبی درگیری شدیدی میان 2 کره و متحدانشان صورت گرفت که پس از مدتی منجر به امضاء پیمان آتش بس گردید، عاقبت جنگ سرد میان 2 کره در دسمبر سال 1991 میلادی با امضاء عهدنامه عدم تجاوز میان 2 کشور خاتمه یافت .

روز شمار ، بیست ششم جون

=====

1 - کشف یکی از گزانبهاترین فلزات بنام « رادیوم » :- بتاريخ 26 جون سال 1898 میلادی : رادیوم یکی از کمیاب ترین و گزانبهاترین فلزات ، توسط مادام کوری و همسرش پی پر کوری کشف شد، به این ترتیب راه معالجه پاره ای از امراض که احتیاج به مواد رادیواکتیو داشته ، هموار گشت، رادیوم از فلزات قلیایی خاکی است و علاوه بر تشعشعات سه گانه (آلفا ، بتا و گاما) از انرژی حرارتی قابل ملاحظه ای برخوردار است، این فلز بحالت ترکیب در طبیعت وجود دارد و استخراج آن بسیار مشکل است ؛ و همین امر در بهای و قیمت آن تأثیر فراوان داشته ، و بهای آن را افزایش می دهد از « رادیوم » در معالجه مرض « سرطان » و « رادیوتراپی » استفاده بسیار می شود .

2 - ملی شدن کانال سوئز در مصر :- بتاريخ 26 جون سال 1956 میلادی : کمپنی کانال سوئز بدستور جمال عبدالناصر رئیس جمهور وقت مصر ، ملی اعلام شد ، و سازمانی مصری برای اداره آن بنیان گذاشته شد، کانال سوئز در سال 1896 میلادی پس از اشغال مصر توسط انگلستان تأسیس گردید ، و بدین وسیله راه دریایی میان اروپا و هندوستان کوتاه تر گشت، تسلط انگلستان بر کانال سوئز ، همچنان باقی بود تا اینکه در زمان حکومت ناصر ، وی برای قطع بهره برداری دولتهای انگلیس و فرانسه کمپنی کانال سوئز را ملی اعلام کرد، در پی این اقدام ناصر ، نیروهای انگلیسی ، فرانسوی و رژیم اشغالگر قدس به طور همزمان به مصر حمله کردند ، و با وجود برتری نظامی این سه کشور در جنگ سوئز ؛ نتیجه به نفع مصریها تمام شد .

روز شمار ، بیست هفتم جون

=====

1 - شورش در کشتی جنگی روسیه :- بتاريخ 27 جون سال 1905 میلادی: کشتی بانان ، کشتی جنگی « پوتمکین » ، بزرگترین کشتی نیروی دریایی امپراتوری روسیه دست به شورش زدند، این شورش هنگامی رخ داد که کشتی جنگی « پوتمکین» در بندر «اودسا» در دریای « سیاه » لنگر انداخته بود، شورش کشتی بانان کشتی « پوتمکین » به دلیل کشته شدن یک کشتی بان توسط یک افسر روی داد، این کشتی بان شکایت کرده بود گوشت غذایی که به او داده شده فاسد است و برای همین شکایت توسط افسر مافوق به قتل رسید، قتل کشتی بان بیگناه موجب شورش کشتی بانان و کارکنان کشتی جنگی « پوتمکین» شد، هشت افسر به کشتی بانان شورشی پیوستند، در این شورش قوماندان « پوتمکین » و بسیاری از افسران دیگر توسط کشتی بانان کشته شده و اجساد آنها را به دریا افکندند، در پی شکست سنگین نیروی دریایی روسیه تزاری از نیروی دریایی جاپان در تنگه « تسوشیما» که یک ماه قبل از شورش « پوتمکین» اتفاق افتاده بود ، افسران نیروی دریایی تزاری اعتبار چندانی در نزد نیروهای خود نداشتند، کشتی بانان « پوتمکین » کنترل آن را به دست گرفته و پرچم تزاری را پایین می کشند و به جای آن پرچم سرخ انقلاب را برمی افرازند، دو کشتی جنگی دیگر که در بندر اودسا لنگر انداخته بودند به شورشیان پوتمکین می پیوندند، روز بعد، شورش به بندر « اودسا» و دیگر بنادر امپراطوری تزاری گسترش می یابد، دولت حکومت نظامی اعلام می کند و در جریان سرکوب شورشیان صدها نفر به قتل می رسند.

کشتی بانان کشتی جنگی « پوتمکین » مدت زیادی به طور بی هدف دریای سیاه را می پیمایند و سرانجام موفق می شوند از کشور رومانی پناهندگی سیاسی کسب کنند و در بندر کونستانزا این کشور در دریای سیاه لنگر می اندازند، شورش کشتی پوتمکین با فیلمی که کارگردان شوروی سرگنی آیزنشتاین در سال 1925 میلادی از ماجرای آن تهیه کرد ، جاودانه شد، به این ترتیب شورش کشتی بانان کشتی جنگی « پوتمکین » در روز 27 جون سال 1905 میلادی نخستین جرقه های انقلاب روسیه را برافروخت که سال ها بعد منجر به سرنگونی امپراطوری تزاری و ایجاد حکومت بلشویکی تحت رهبری « ولادیمیر ایلیچ - لینین » شد.

2 - امضا قرار داد تقسیم پولند :- بتاريخ 27 جون سال 1772 میلادی : قرار داد تقسیم پولند میان سه قدرت بزرگ اروپای قرن هجدهم میلادی به امضاء رسید، این سرزمین که امروز از کشورهای مستقل اروپای شرقی است با امضای قرار داد مزبور از سوی نمایندگان روسیه ، اتریش و نمایندگان شاه پروس تقسیم شد، سردمداران این امپراتوری ها بنام حفظ مملکت پولند از فساد و اضمحلال ، هر يك بخش هایی از خاک این کشور را تصرف کردند و بدین ترتیب نقشه پولند عملاً از قاره اروپا محو شد، گفتنی است این نخستین قرار داد تقسیم پولند بود .

3 - اولین ساخت بایسکل در جهان :- بتاريخ 27 جون سال 1779 میلادی : بایسکل توسط یکی از اهالی «مانهایم» المان ساخته شد، این بایسکل از جنس چوب و فاقد رکاب و زنجیر بود و تنها با فشار پا و دویدن شخصی که بر روی آن قرار داشت به حرکت درمی آمد، بعدها یعنی در سال 1839 میلادی بایسکل رکاب دار توسط مک میلان آهنگر هالندی ساخته شد و سرانجام بسال 1888 میلادی بایسکلی با چرخ های مساوی و دارای تایر ساخته شد .

4 - اعدام « روبسپیر » انقلابی معروف فرانسه :- بتاريخ 27 جون سال 1794 میلادی : روبسپیر انقلابی معروف فرانسه در دوران انقلاب کبیر پس از 36 سال زندگی در جریان مبارزات انقلابیون بوسیله گیوتین اعدام شد، وی در سپتامبر سال 1758 میلادی در شهر آراس بدنیا آمد و پس از اعدام لوئی شانزدهم پادشاه فرانسه و برقراری نظام جمهوری در این کشور به مدت چهار ماه حکومت را در دست داشت و سپس به دست انقلابیون اعلام شد .

5- در گذشت فریدریش شاعر ، ادیب و فیلسوف آلمانی :- بتاريخ 27 جون سال 1862 میلادی : فریدریش روکرت شاعر ، ادیب و فیلسوف المانی در قرن نوزدهم میلادی پس از 74 سال زندگی درگذشت، روکرت به زبانهای فارسی ، عربی و چینی بخوبی آشنا بود و در دانشگاه برلین به تدریس زبان عربی پرداخت از آثار برجسته او کتاب شرفیات را می توان نام برد .

6- درگذشت « ونسان ون گوگ » نقاش هالندی :- بتاريخ 27 جون سال 1890 میلادی : ونسان ون گوگ نقاش هالندی درگذشت، او پس از سالها رنج و مرارت و مبارزه با اصول و قواعد رنگ آمیزی کهن سرانجام موفق شد سبکی نوین در نقاشی ایجاد کند، از قرن گوگ تابلوهای متعددی بجای مانده که مهمترین آنها گلهاي آفتابگردان ، مردی با گوشه های بریده و سبب زمینی خورها می باشند

روز شمار ، بیست هشتم جون

=====

1 - ترور « آرشیودوک فردیناند » و آغاز جنگ جهانی اول :- بتاريخ 28 جون سال 1914 میلادی « آرشیودوک فرانس فردیناند » ، ولیعهد امپراطوری اتریش - مجارستان در شهر " ساریوو " توسط يك تروریست صرب به نام « گاوریلو پرینچیپ » ترور شد، در این حادثه « دوشس سوفیا دو هونتبرگ » همسر فردیناند نیز به قتل رسید، با قتل ولیعهد امپراطوری (اتریش - مجارستان) نخستین زنگ خطر جنگ جهانی اول زده شد، « گاوریلو پرینچیپ » تروریست 19 ساله " صرب " عضو يك سازمان مخفی به نام " دست سیاه " بود ، که مهار اصلی آن در اختیار صاحب منصب « دیمیتریویچ » ، رئیس سرویس های مخفی اطلاعاتی " بلگراد " بود، این سازمان خواستار اتحاد همه " اسلاوهای جنوبی " و ادغام آنها در " صربستان " بود، به همین دلیل ، این سازمان رسماً خواستار الحاق " بوسنی هرزگوین " در سال 1908 میلادی شده بود، " بوسنی هرزگوین " که قبلاً به امپراطوری عثمانی تعلق داشت ، در آن زمان تحت قیومت امپراطوری (اتریش - مجارستان) بود، به همین دلیل ، ملی گرایان " صرب " تصمیم گرفتند هنگام سفر رسمی ولیعهد امپراطوری اتریش - مجارستان به شهر " ساریوو " ، پایتخت " بوسنی هرزگوین " ، با قتل جانشین امپراطور سالخورده " اتریش " « فرانسوا ژوزف اول » ، ضربه سختی را وارد سازند، این سوء قصد قاره اروپا را به خون و آتش کشید، در آن زمان اروپا به 2 قطب رقیب تقسیم شده بود، در يك سو اتحاد سه گانه امپراطوری (اتریش - مجارستان) ، امپراطوری (المان) و پادشاهی (ایتالیا) و در سو دیگر اتحاد سه گانه روسیه ، فرانسه و انگلستان قرار داشتند، امپراطوری اتریش روز 28 جولای به " صربستان " اعلان جنگ می دهد و روز 30 جولای " بلگراد " توسط " اتریشی ها " بمباران می شود، تزار روسیه « نیکلای دوم » به نام همبستگی " اسلاوها " به امپراطور اتریش اعلان جنگ می دهد و سرانجام با قرار گرفتن " المان ، ایتالیا و بلغارستان " در کنار امپراطوری اتریش بعدها (عثمانی) نیز به آنها می پیوندد، و اتحاد (فرانسه و انگلستان با روسیه) بعدها (ایالات متحده) در طرفداری از آنها وارد جنگ می شود جنگ جهانی اول آغاز می گردد ، اما اندکی پس از جنگ ایتالیا نیز به جبهه (فرانسه ، انگلستان و روسیه) می پیوندد .

جنگ خونین 4 ساله از سال 1914 تا 1918 میلادی که دستکم هشت میلیون نفر بر اثر آن جان باختند، قتل « آرشیودوک فرانس فردیناند » نه تنها باعث آغاز جنگ جهانی اول شد ، بلکه پس از پایان این جنگ خونبار ، جهان شاهد تحولات بزرگ سیاسی و جغرافیایی شد، امپراطوری های اتریش - مجارستان و عثمانی تجزیه شدند و سیستم سیاسی آنها جمهوری شد، در امپراطوری روسیه و میان جنگ در سال 1917 میلادی انقلاب شد و این امپراطوری سرنگون گردید و رژیم سوسیالیستی (کمونیستی) به رهبری ولادیمیر ایلیچ لینین بر سر کار آمد، امپراطوری المان منقرض گردید و به جمهوری تبدیل شد و بخش هایی از خاک خود را بر اساس پیمان « ورشو » از دست داد و تحقیری را متحمل شد که عواقب آن در سال 1939 میلادی با آغاز جنگ جهانی دوم توسط « هیتلر » دامنگیر جهان شد، به این ترتیب سوء قصد به جان « آرشیودوک فرانس فردیناند » در روز 28 جون سال 1914 میلادی توسط يك تروریست 19 ساله ، ژئوپلیتیک جهان را به کلی تغییر داد .

2 - معاهده تاریخی برلین :- بتاريخ 28 جون سال 1778 میلادی : معاهده تاریخی برلین در پایان کنگره ای به همین نام میان نمایندگان (روسیه ، المان ، فرانسه ، انگلیس و اتریش) به امضاء رسید، کنگره برلین به خواست « بسمارک » صدر اعظم وقت المان تشکیل شد و نتایج قابل ملاحظه ای برای آن کشور بدنبال داشت، با این معاهده به قدرت سیاسی و نظامی المان به اوج خود رسید، همچنین تأثیر این معاهده در جنگهای جهانی اول و دوم بسیار عمیق و در خور توجه داشت .

3 - استقلال پیرو :- بتاريخ 28 جون سال 1824 ميلادي : کشور " پیرو " به استقلال رسید، این سرزمین از اوایل قرن شانزدهم میلادی به تصرف هسپانیا درآمد و تا سال 1821 میلادی بخشی از امپراطوری "هسپانیا" بود، استعمارگران هسپانیایی استثمار مردم " پیرو" و غارت منابع طبیعی این سرزمین را تا یک قرن بعد ادامه دادند و همین امر انقلاب آزادیخواهانه مردم " پیرو " را شدت بخشید، سرانجام در جریان مبارزات « خوزه سان مارتین» و «سیمون بولیوار» رهبران جنبش های انقلابی امریکای جنوبی ، " پیرو " مستقل و از حکومت جمهوری برخوردار شد، این کشور با مساحتی حدود یک میلیون و سیصد هزار کیلومتر مربع در امریکای جنوبی واقع و با اکوادور ، کلمبیا ، برزیل ، شیلی و بولیوی هم مرز است .

روز شمار ، بیست نهم جون

=====

1 - آغاز بمباران هانوی توسط امریکا :- بتاريخ 29 جون سال 1966 میلادی ، « لیندون جانسون » رئیس جمهور امریکا برای نخستین بار دستور بمباران شهرهای " هانوی و هایفونگ " را در " ویتنام شمالی " صادر کرد، با آغاز بمباران های هوایی شهرهای " هانوی " و بندر " هایفونگ " مرحله تازه ای در جنگ اعلام نشده امریکا و متحدش " ویتنام جنوبی " علیه " ویتنام شمالی " آغاز گشت، نقطه عطف این جنگ ناعادلانه و نابرابر جنگ " هند و چین فرانسه " و در پی آن توافقات صلح " ژنیو " در 21 جولای سال 1954 میلادی بود که به حضور فرانسه در ویتنام خاتمه داد، این توافقات که در آن وحدت دو ویتنام پیش بینی شده بود نه تنها تحقق نیافت بلکه دامنه اختلافات گسترش پیدا کرد، در جنوب حکومت سلطنتی " بانودای " توسط « نگودین دیم » صدراعظم سرنگون شده و یک رژیم دیکتاتوری و فاسد را برقرار کرد و به جنگ با ویتنام شمالی ادامه داد، اما علی رغم کمک های نظامی امریکا شرایط برای نگودین دیم به سرعت به وخامت گرایید، کمونیست های ویتنام جنوبی یک جبهه مبارزه برای آزادی ویتنام جنوبی به نام « ویت کنگ » را تشکیل دادند، از سال 1961 میلادی « جان اف کندی » رئیس جمهور امریکا تعداد کثیری از مشاوران نظامی امریکایی را به ویتنام جنوبی اعزام کرد تا به « نگودین دیم » در مقابله با سربازان ویتنام شمالی و چریک های ویت کنگ کمک کنند.

به این ترتیب ، امریکایی ها نخستن گام را در این جنگ اعلام نشده برداشتند، در سال 1963 میلادی ، امریکایی ها حمایت از نگودین دیم را قطع کرده و یک گروه از نظامیان ویتنام جنوبی با همکاری سازمان " سیا " کودتا کردند و پس از قتل وی یک حکومت ظاهر صلاح را روی کار آوردند، در فاصله روزهای 2 تا 4 ماه اگست سال 1964 ، قوای نظامی ویتنام شمالی به سوی 2 کشتی شکن امریکایی (مادوکس و ترنر جوی) که وارد آب های ارضی این کشور شده بودند فیر کرد، این واقعه که در خلیج " تونکن " رخ داد ، بهانه لازم را برای اقدام نظامی علیه ویتنام شمالی به دست « لیندون جانسون » رئیس جمهور امریکا داد، وی از 4 اگست دستور نخستین بمباران های هوایی مواضع " ویت کنگ ها " در ویتنام جنوبی را صادر کرد، جانسون در روز 7 اگست 1964 میلادی از کنگره امریکا اختیارات کامل برای جنگ علیه ویتنام شمالی را کسب نمود، امریکایی ها و نیروهای ویتنام جنوبی در روز 7 فیبروری سال 1965 میلادی بمباران مناطق مرزی ویتنام شمالی با جنوبی و جاده های این کشور را آغاز کردند، آنها می خواستند از طریق این بمباران ها از ارسال قطعات نظامی و مواد سوخت به " ویت کنگ ها " و نیروهای کره شمالی جلوگیری کنند، اما آنها هرگز موفق نشدند راه مشهور " هوشی مینه " که از مسیر آن انسانها و تجهیزات از شمال به جنوب تردد می کردند را قطع سازند، جانسون هر روز دستور اعزام سربازان بیشتری را به ویتنام جنوبی صادر می کرد تا جایی که بیش از 500 هزار نظامی امریکایی در ویتنام مستقر شدند، اما امریکا کاملاً در باتلاق ویتنام گرفتار شده بود.

به این ترتیب برای وارد آوردن ضربات سخت تر به ویتنام شمالی لیندون جانسون برای نخستین بار دستور بمباران های هوایی شهرهای ویتنام شمالی به ویژه " هانوی " پایتخت و بندر " هایفونگ " را در روز 29 جون سال 1966 میلادی صادر کرد، این بمباران ها تقریباً تا اواخر جنگ ادامه داشتند ، اما سرانجام امریکا ناگزیر گردید پس از این که بیش از 50 هزار سرباز امریکایی در جنگ ویتنام کشته شدند ، عقب نشینی از ویتنام را آغاز کند، در 30 اپریل سال 1975 میلادی کلیه نیروهای نظامی امریکا از کشور ویتنام جنوبی خارج شدند و اندکی بعد در سال 1976 میلادی با سقوط شهر " سائگون " (هوشی مین ویل امروز) ویتنام وحدت خود را بازیافت.

2 - پیروزی قیام پارسی ها علیه شارل :- بتاريخ 29 جون سال 1830 میلادی : قیام تاریخی پارسی ها برای سرنگون کردن شارل دهم آخرین شاه خاندان " بوربون " با پیروزی به پایان رسید، وی از سلسله دوم بوربون بود و قصد برقراری مجدد استبداد را در فرانسه داشت، اما با انقلاب جولای 1830 میلادی مردم آزادیخواه و انقلابی پاریس او را سرنگون کردند ، و بوربون ها برای همیشه مقام سلطنت را از دست دادند .

3 - جنگهای خونین جاپانی ها در سواحل جنوبی هند و چین :- بتاريخ 29 جون سال 1941 میلادی : با پیاده شدن سپاهیان جاپان در سواحل جنوبی هند و چین ، جنگهای خونین میان نیروهای جاپانی و قوای مستقر در این منطقه درگرفت در آن زمان سواحل جنوبی هند و چین ، و شهرها و ممالک این بخش از آسیا جزء مستعمرات سه کشور هالند ، فرانسه و انگلستان محسوب می شد، از این رو ، دول استعماری این کشورها به شدت از اهداف استعمارگران خود دفاع می کردند، اما به دلیل دولتهای اروپایی در جنگ جهانی دوم ، نیروهای جاپانی موفق شدند بسیاری از جزایر و بنادر اقیانوس آرام و آسیای جنوب شرقی را تصرف کنند، این مناطق تا پایان جنگ جهانی دوم یعنی تا سال 1945 میلادی و شکست قطعی جاپان از متفقین در اشغال جاپانی ها باقی مانده .

روز شمار ، سی ام جون

=====

1- اضمحلال امپراتوری " آرتک " :- بتاريخ 30 جون سال 1520 میلادی آرتک های ساکن تنوکیلان (شهر مکزیکو کنونی) هسپانیایی ها را از این شهر بیرون راندند، این شب که در نزد هسپانیایی ها به نوچه تریسته (در زبان هسپانیایی شب غم انگیز) مشهور شد ، در واقع عامل اضمحلال امپراطوری " آرتک " و تغییر سرنوشت مکزیک و امریکای هسپانیایی زبان شد، پس از کشف قاره امریکا توسط کریستف کلمب ، هسپانیایی ها نخست در جزایر " آنتیل " مستقر شدند، در سال 1518 میلادی «هرنان کورتز» ، یک اشرافزاده ماجراجو اهل " کاستیل " هسپانیا در راس یک گروه کوچک از سربازان هسپانیایی جزیره کیوبا را ترک کرد و به قصد اشغال مکزیک روانه آن سرزمین شد، سرخ پوستان مکزیک با مشاهده چهره ریش دار هسپانیایی ها ، زره ها ، سلاح های آتشین و اسب های آنها مات و مبهوت شدند، این مساله به سود « کورتز » تمام شد زیرا سرخپوستان " آرتک " بر اساس یک اسطوره قدیمی خود به خدایی به نام « کتزاکوالت » معتقد بودند که روزی به قصد فتح سرزمین های جدید خاک " آرتک ها " را ترک کرده بود و باید با

بازماندگان خود با هیبت جدیدی بازمی گشت، « موکتزوما دوم » امپراطور "آزتک ها" جرات نکرد مانع ورود « کورتز » به پایتخت باشکوهش " تنوکتیلان " (مکزیکو کنونی) شود.

« کورتز » به آسانی شهر را تصرف کرد اما به زودی ناگزیر شد برای مقابله با ورود یک رقیب بنام « پانفینو دو ناوانز » به نواحی ساحلی بازگردد، وی اختیار شهر و مراقبت از امپراطور را به یکی از معاونان خود به نام « پترو دو آوارو » سپرد، اما پترو دو آوارو فرد مناسبی برای این مقام نبود و به بهانه یک توطئه وارد معبد اصلی " آزتک ها " شد و تمام راهبان و حاضران در معبد را قتل عام کرد، آزتک ها دست به شورش زدند، در این میان « موکتزوما » در سلولش توسط نگهبانان هسپانیایی به قتل رسید، با مرگ وی برادرزاده اش کوان تموک امپراطور شد و رهبری شورش را در دست گرفت.

هرنان کورتز پس از اطلاع از شورش آزتک ها به سرعت بازگشت ، اما متوجه شد اوضاع تنوکتیلان غیرقابل کنترل است و بنابراین دستور عقب نشینی سربازان خود را صادر کرد، کورتز به همراه 500 سرباز هسپانیایی تصمیم گرفت به سرعت پایتخت امپراطوری " آزتک " را در شب 30 جون سال 1520 میلادی ترک کند، مردم پل هایی که عبور از مرداب های پیرامون شهر را امکان پذیر می ساخت قطع کردند و نیمی از سربازان هسپانیایی را به قتل رساندند و بقیه به همراه کورتز موفق به فرار شدند، اما کورتز با سماجت و قبل از یک حمله دیگر بقیه افرادش و متحدان سرخپوست خود را باز سازی کرد و شهر را به محاصره درآورد، پس از 75 روز محاصره شهر " تنوکتیلان " و همراه آن امپراطوری "آزتک" سقوط کرد، هسپانیایی ها شهر " تنوکتیلان " را ویران کردند و در محل آن شهر " مکزیکو " که نام آن برگرفته از نام یک قبیله محلی بود را بنا کردند، مقاومت " آزتک ها " با دستگیری کوان تموک در 13 اگست 1521 میلادی خاتمه یافت، هسپانیایی ها « کوان تموک » را به دست جلادان سپردند و پس از ساعت ها شکنجه طاقت فرسا ، « کوان تموک » آخرین امپراطور " آزتک " جان سپرد، به این ترتیب در شب 30 جون سال 1520 میلادی ، "آزتک ها" موفق شدند اشغالگران هسپانیایی را از شهر " تنوکتیلان " بیرون برانند، اما این اقدام موجب اضمحلال امپراطوری " آزتک " شد و از آن پس کابوس طولانی آزتک ها تا زمان نابودی تمدن آزتک ادامه یافت، فتح امپراطوری " آزتک " و سرزمین کنونی " مکزیک - مکسیکو " توسط «هرنان کورتز» عواقب شومی برای بقیه تمدن های کهن قاره امریکا داشت ، از جمله می توان به نابودی امپراطوری و تمدن " اینکاها " و فتح سرزمین کنونی " پیرو " توسط « فرانسیسکو پیزارو » اشاره کرد.

ختم رویداد های مهم جهان
در ماه جون سالهای مختلف

www.zhwak.com